

Original Article

A Multidimensional Analysis of Perceived Social Security: Physical, Social, and Governance Dimensions in Azadshahr, Yazd

Mitra Ghorbi^{1*} , Behrooz Biqaraz² 

1. Department of Urban Studies; Faculty of Engineering, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Department of Urban Studies; Faculty of Architecture and Urban Studies, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Abstract

Introduction: Social security stands as one of the foundational pillars of urban livability and neighborhood quality of life, and is shaped by interacting physical, social, and institutional-governance conditions. Although each of these dimensions has been examined independently in prior scholarship, integrated frameworks capable of quantifying their relative contributions to social security remain scarce. This gap is particularly consequential in Iranian urban neighborhoods such as Azadshahr in Yazd, where compounding challenges—including physical deterioration, high rates of in-migration, and growing social heterogeneity—make comprehensive, multi-dimensional assessment an urgent priority. Existing studies have often relied exclusively on perceptual data or examined physical-spatial conditions separately, leaving the relationship between residents' security perceptions and neighborhood spatial structure underexplored. To address this empirical gap, the present study undertakes a multidimensional analysis of perceived social security in Azadshahr, with the explicit aim of comparatively evaluating the explanatory strength of all three dimensions within a unified analytical framework.

Materials and Methods: This applied study used a sequential exploratory mixed-methods design. In the qualitative phase, thematic analysis following Braun and Clarke's framework was conducted through 22 semi-structured interviews with residents, security professionals, and urban planning experts. NVivo-assisted coding produced 274 initial codes, subsequently organized into 13 subthemes and four overarching themes: physical factors, social factors, institutional-governance factors, and social security. These findings informed the development of the quantitative questionnaire. In the quantitative phase, 367 residents were selected through simple random sampling from Azadshahr's total population of 8,547. A researcher-developed 61-item questionnaire, scored on a five-point Likert scale, was administered. Content validity was established through expert panel review (CVI = 0.91; CVR = 0.89), while construct validity was confirmed via confirmatory factor analysis (CFA). Internal consistency was supported by Cronbach's alpha coefficients of (0.74–0.81) and composite reliability coefficients of (0.82–0.90). SPSS was used for descriptive and inferential statistics, and AMOS facilitated structural equation modeling. The model demonstrated acceptable fit (CFI = 0.95, TLI = 0.94, RMSEA = 0.058, SRMR = 0.044). Three separate structural models were estimated to compare dimensional effects. Additionally, a physical-spatial analysis drawing on field observations and satellite imagery was carried out to examine street network configurations, land-use patterns, defensible space features, and overall built-environment quality guided by Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED) principles.

Results and Discussion: All three dimensions were positively and significantly associated with perceived social security. On perceived social security ($p < 0.001$), though with markedly different magnitudes. The social dimension proved to be the strongest predictor ($\beta = 0.56$; $R^2 = 0.57$), with neighborhood relations, sense of belonging, social capital, and civic participation emerging as its most influential indicators. The physical dimension ranked second ($\beta = 0.31$; $R^2 = 0.23$), with lighting quality, public space conditions, land-use diversity, and housing typology as key contributors. The institutional-governance dimension, while statistically significant, demonstrated a comparatively modest effect ($\beta = 0.29$; $R^2 = 0.19$). Physical-spatial findings corroborated residents' perceptions, revealing that poorly defensible spaces, physical decay, limited active land uses, and poor spatial legibility in certain sections of the neighborhood corresponded closely to reported experiences of insecurity.

Conclusion: The findings indicate that social security in urban neighborhoods emerges from a multilayered interaction among physical, social, and institutional-governance factors, with social dimensions carrying the greatest explanatory weight. Physical interventions alone are unlikely to be sufficient; sustainable security outcomes require their integration with strategies that cultivate social capital, encourage local participation, and strengthen neighborhood governance. By bridging perceptual data with physical-spatial analysis, this research advances a more holistic and multidimensional approach to urban security assessment in comparable Iranian urban neighborhoods.

Keywords: Social security, physical factors, social factors, institutional-governance factors, structural equation modeling, Azadshahr, Yazd

Citation: Ghorbi, M., & Biqaraz, B. (2026). A Multidimensional Analysis of Perceived Social Security: Physical, Social, and Governance Dimensions in Azadshahr, Yazd. *Sustainable Development of Geographical Environment*, Vol. 8, No. 19, (0-0). <https://doi.org/10.48308/sdge.2026.242637.1282>

Received: 26/11/2025

Revised: 21/05/2026

Accepted: 22/05/2026



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

تحلیل چندبعدی ادراک امنیت اجتماعی با تأکید بر ابعاد کالبدی، اجتماعی و حکمرانی (آزادشهر یزد)

میترا قربی^{۱*}، بهروز بیغرض^۲

۱. گروه شهرسازی، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

مقدمه: امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین ارکان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در محلات شهری است و تحت تأثیر تعامل پیچیده عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی قرار دارد. با وجود پژوهش‌های متعدد درباره نقش هریک از این ابعاد به صورت جداگانه، هنوز مدل‌های تلفیقی که بتوانند سهم نسبی هر بُعد را در تبیین امنیت اجتماعی نشان دهند، محدود هستند. در بافت‌های شهری ایران، به‌ویژه در محلاتی مانند آزادشهر یزد که با ویژگی‌هایی چون فرسودگی کالبدی، مهاجرپذیری و ناهمگونی اجتماعی مواجه‌اند، بررسی یکپارچه این ابعاد اهمیت ویژه‌ای دارد. شکاف پژوهشی موجود، یعنی فقدان سنجش همزمان سه بُعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی در قالب یک مدل تلفیقی، ضرورت انجام این پژوهش را دوچندان می‌سازد. همچنین، اغلب پژوهش‌های پیشین یا بر داده‌های ادراکی متمرکز بوده‌اند یا تحلیل کالبدی را به صورت محدود بررسی کرده‌اند و کمتر به پیوند میان ادراک امنیت و ساختار فضایی محله توجه شده است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تحلیل چندبعدی ادراک امنیت اجتماعی در محله آزادشهر یزد و مقایسه شدت اثرگذاری سه بعد مذکور می‌باشد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با رویکرد آمیخته اکتشافی-توالی انجام شده است. در فاز نخست (کیفی)، از تحلیل مضمون بر اساس روش براون و کلارک استفاده شد. داده‌ها از طریق ۲۲ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سه گروه ساکنان، کارشناسان امنیتی و متخصصان شهرسازی جمع‌آوری شد. تحلیل مضمون با استفاده از نرم‌افزار NVivo انجام و ۲۷۴ کد اولیه در قالب ۱۳ مقوله فرعی و چهار مضمون اصلی (عوامل کالبدی، اجتماعی، نهادی-حکمرانی و امنیت اجتماعی) طبقه‌بندی شد. مضامین استخراج‌شده مبنای طراحی پرسشنامه در فاز کمی قرار گرفت. در مرحله دوم (کمی)، جامعه آماری شامل تمام ساکنان آزادشهر (۸۵۴۷ نفر) بود و حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۶۷ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته با 61 گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای بود. روایی محتوایی با نظر متخصصان ($CVI=0.91$ ، $CVR=0.89$) و روایی سازه‌ای از طریق تحلیل عاملی تأییدی ارزیابی شد. پایایی سازه‌ها با آلفای کرونباخ (۰.۷۴ تا ۰.۸۱) و پایایی ترکیبی (۰.۸۲ تا ۰.۹۰) تأیید گردید. تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی با SPSS و مدل‌سازی معادلات ساختاری با AMOS انجام شد. شاخص‌های برازش ($RMSEA=0.058$ ، $TLI=0.94$ ، $CFI=0.95$)، $SRMR=0.044$) بیانگر برازش مناسب مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری بودند. برای مقایسه شدت اثر سه بعد بر امنیت اجتماعی، سه مدل ساختاری جداگانه اجرا شد. به‌منظور انطباق بیشتر روش پژوهش با ماهیت فضا محور رویکرد CPTED، تحلیل کالبدی-فضایی محدوده نیز بر اساس مشاهدات میدانی و بررسی تصاویر ماهواره ای انجام شد و ویژگی‌هایی نظیر ساختار معابر، کاربری زمین، فضاهای بی‌دفاع و کیفیت بافت کالبدی مورد ارزیابی قرار گرفت.

نتایج و بحث: نتایج نشان داد هر سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی تأثیر مثبت و معناداری بر امنیت اجتماعی دارند ($p<0.001$)، اما شدت اثرگذاری آن‌ها متفاوت است. بعد اجتماعی با ضریب $\beta=0.56$ و $R^2=0.57$ قوی‌ترین پیش‌بین‌کننده امنیت اجتماعی بود و مؤلفه‌هایی نظیر روابط همسایگی، حس تعلق، سرمایه اجتماعی و مشارکت محلی بیشترین نقش را ایفا کردند. بعد کالبدی با $\beta=0.31$ و $R^2=0.23$ در رتبه دوم قرار گرفت و شاخص‌هایی مانند نورپردازی، کیفیت فضاهای عمومی، اختلاط کاربری و نوع مسکن در آن مؤثر بودند. بعد نهادی-حکمرانی نیز با $\beta=0.29$ و $R^2=0.19$ اثر معناداری نشان داد. یافته‌های تحلیل کالبدی-فضایی نیز حاکی از آن بود که وجود فضاهای بی‌دفاع، فرسودگی بافت، محدود بودن کاربری‌های فعال و ضعف خوانایی فضایی در برخی بخش‌های محله، با الگوهای ناامنی ادراک‌شده ساکنان هم‌راستا است. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی در محلات شهری محصول تعامل چندسطحی عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی است، اما عوامل اجتماعی نقش غالب‌تری در تبیین آن دارند. بر این اساس، مداخلات کالبدی تنها در صورت هم‌زمانی با تقویت سرمایه اجتماعی، مشارکت محلی و حکمرانی محله‌ای می‌توانند به امنیت پایدار منجر شوند. این پژوهش با ترکیب داده‌های ادراکی و تحلیل کالبدی-فضایی، گامی در جهت توسعه رویکردهای یکپارچه و چندبعدی در تحلیل امنیت شهری در بستر محلات ایرانی به‌شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: امنیت اجتماعی، عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی، عوامل نهادی-حکمرانی، مدل‌سازی معادلات ساختاری، آزادشهر یزد.

استناد: قربی، م. و بیغرض، ب. (۱۴۰۵). تحلیل چندبعدی ادراک امنیت اجتماعی با تأکید بر ابعاد کالبدی، اجتماعی و حکمرانی (آزادشهر یزد). توسعه پایدار محیط جغرافیایی، دوره ۸، شماره ۱۹، زمستان ۱۴۰۵. (۰-۰) <https://doi.org/10.48308/sdgc.2026.242637.1282>

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۱

بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۳۱

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵

* رایانامه نویسنده مسئول: m.ghorbi@pnu.ac.ir

مقدمه

امنیت شهری یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های شهری است و نقشی اساسی در پایداری اجتماعی، تعاملات روزمره و کارآمدی فضاهای شهری ایفا می‌کند. رویکردهای معاصر در مطالعات شهری، امنیت را صرفاً نتیجه سازوکارهای رسمی کنترل و نظارت نمی‌دانند، بلکه آن را محصول برهم‌کنش پیچیده عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی در مقیاس محله تلقی می‌کنند. در این چارچوب، کیفیت روابط همسایگی، سرمایه اجتماعی، احساس تعلق مکانی، کیفیت محیط کالبدی و اثربخشی مدیریت محلی، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ادراک امنیت ساکنان به شمار می‌روند (Putnam, 2000; Forrest & Kearns, 2001; Giddens, 1991). امنیت شهری در این معنا تنها به فقدان جرم محدود نیست، بلکه هم ابعاد عینی شامل شرایط فیزیکی و کنترل محیطی و هم ابعاد ذهنی شامل احساس آرامش و ادراک ایمنی را در بر می‌گیرد (پاکزاد، 1381). از این رو، امنیت را می‌توان محصول تجربه زیسته ساکنان در بستر اجتماعی-فضایی محله دانست (Jabareen, 2017; Valente, 2018).

در دهه‌های اخیر، رشد شتابان شهرنشینی، نابرابری فضایی، فرسودگی بافت‌های شهری و تضعیف شبکه‌های اجتماعی محلی، مسئله امنیت شهری را به یکی از چالش‌های اصلی شهرهای معاصر تبدیل کرده است. این وضعیت در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در محلاتی که هم‌زمان با ضعف زیرساخت‌های شهری، ناهمگونی اجتماعی و ناکارآمدی حکمرانی محلی مواجه‌اند، با شدت بیشتری بروز یافته است (WHO, 2020). در ایران نیز، گسترش بی‌برنامه شهرها، مهاجرت‌های درون‌شهری و کاهش انسجام اجتماعی، زمینه‌ساز افزایش احساس ناامنی در بسیاری از محلات شهری شده و امنیت اجتماعی را به یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تبدیل کرده است.

این تحول در فهم امنیت شهری، در سیر تکامل نظریه‌های امنیت نیز قابل مشاهده است. جیکوبز (1961) در نظریه «چشم‌ها بر خیابان» بر نقش حضور مستمر مردم، تنوع کاربری و فعالیت‌پذیری فضاها در ایجاد نظارت طبیعی و کاهش جرم تأکید می‌کند. در ادامه، نیومن (1972) در نظریه «فضای قابل دفاع» امنیت را حاصل قلمروگرایی، کنترل دسترسی، خوانایی فضایی و حس مالکیت محیطی می‌داند. این دیدگاه‌ها مبنای شکل‌گیری رویکرد «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» شدند؛ رویکردی که در نسل نخست خود عمدتاً بر طراحی کالبدی محیط و مؤلفه‌هایی نظیر نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، نگهداشت محیط و تقویت قلمرو تمرکز داشت (Crowe, 2000). با این حال، مطالعات بعدی نشان دادند که طراحی فیزیکی به‌تنهایی قادر به تحقق امنیت پایدار نیست (Clancey, 2015). همین مسئله موجب شد نسل دوم CPTED بر ابعاد اجتماعی نظیر سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، تعاملات همسایگی و مشارکت محلی تأکید کند و نسل سوم آن نیز با تمرکز بر حکمرانی، عدالت فضایی، هویت مکانی و مشارکت اجتماعی، امنیت را به سطح سیاست‌گذاری و مدیریت شهری ارتقا دهد (Saville & Mihinjac, 2022; Saville & Cleveland, 2008). در ادامه این تحولات، پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که امنیت شهری نه صرفاً محصول کیفیت کالبدی فضا، بلکه نتیجه تعامل هم‌زمان ساختار فضایی، روابط اجتماعی و ظرفیت حکمرانی محلی است. در این چارچوب، مؤلفه‌هایی نظیر نورپردازی، خوانایی فضایی، اختلاط کاربری و حضورپذیری فضاها تنها در بستر روابط اجتماعی و ظرفیت نظارت غیررسمی معنا پیدا می‌کنند و اثرگذاری آن‌ها وابسته به میزان انسجام اجتماعی و مشارکت محلی است (Armitage, 2021; Cozens & Stoks, 2025; Lee et al., 2023). بدین ترتیب، امنیت شهری در ادبیات معاصر از یک «ویژگی طراحی» به یک «برساخت اجتماعی-فضایی-نهادی» تبدیل شده است؛ برساختی که در آن، کیفیت محیط کالبدی، ظرفیت روابط اجتماعی و سازوکارهای حکمرانی محلی به‌صورت هم‌زمان در تولید یا تضعیف امنیت نقش دارند. از این منظر، نظریه‌های امنیت شهری نه به‌عنوان رویکردهایی منفک، بلکه به‌مثابه لایه‌های مکمل یک سیستم چندسطحی قابل تفسیر هستند که هر یک بخشی از سازوکار تولید امنیت را توضیح می‌دهند. در مجموع، سیر تحول نظریات امنیت شهری نشان می‌دهد که این حوزه از رویکردهای صرفاً طراحی‌محور به سمت رویکردهای چندلایه مبتنی بر تعامل فضا، جامعه و حکمرانی حرکت

کرده است. در این چارچوب، نظریه‌های امنیت شهری را می‌توان بر اساس منطق غالب، سطح تحلیل و سازوکار تولید امنیت طبقه‌بندی کرد (جدول ۱).

جدول ۱. طبقه‌بندی رویکردهای نظری امنیت شهری بر اساس سطح تحلیل و سازوکار امنیتی (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

عنوان نظریه	منطق مرکزی	سطح تحلیل	سازوکار امنیتی
الگوی جرم (Crime Pattern Theory)	الگوی فعالیت روزمره در فضا	فضایی-رفتاری	تمرکز جرم در گره‌ها و مسیرهای پر تردد و شکل‌گیری الگوهای قابل پیش‌بینی ناامنی
نظریه پنجره‌های شکسته (Broken Windows Theory)	نشانه‌های بی‌نظمی محیطی	اجتماعی-کالبدی	تضعیف کنترل اجتماعی غیررسمی از طریق نشانه‌های فرسودگی و بی‌توجهی
فضای قابل دفاع (Defensible Space)	قلمروگرایی و کنترل فضا	کالبدی-طراحی	افزایش حس مالکیت و کاهش دسترسی مجرمان از طریق مرزبندی فضایی
نسل اول CPTED	طراحی فیزیکی محیط	کالبدی-عملگر	کاهش فرصت جرم از طریق کنترل دسترسی و افزایش نظارت طبیعی
نسل دوم CPTED	پیوند فضا و جامعه	اجتماعی-کالبدی	تقویت کنترل غیررسمی از طریق انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی
نسل سوم CPTED	حکمرانی و عدالت فضایی	نهادی-اجتماعی	افزایش امنیت از طریق مشارکت، هویت مکانی و سیاست‌گذاری فضایی
امنیت از طریق طراحی (Secured by Design)	استانداردسازی امنیت محیط	کالبدی-مدیریتی	کاهش جرم از طریق طراحی ایمن، نگهداشت و مدیریت سیستماتیک فضا

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، روند تحول نظریات امنیت شهری بیانگر گذار تدریجی از رویکردهای صرفاً کالبدی به سمت رویکردهای یکپارچه اجتماعی-فضایی و نهادی است. پژوهش‌های تجربی نیز این تحول نظری را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که امنیت شهری حاصل تعامل هم‌زمان عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی است. در بعد کالبدی، مطالعات مختلف رابطه مستقیم میان ساختار فضایی شهر و الگوهای جرم یا ادراک امنیت را نشان داده‌اند. شبکه خیابان‌ها، اتصال معابر، نوع کاربری زمین، نورپردازی، وضعیت پیاده‌روها و میزان دیدپذیری فضاها از جمله مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر امنیت شناخته شده‌اند (Stucky & Ottensmann, 2009; Davies & Bishop, 2013; Davies & Bowers, 2018; Sohn, 2016; Takano et al., 2023; Wen et al., 2025). لی و همکاران (2023) نیز نشان دادند که ویژگی‌های خردمقیاس خیابان مانند نورپردازی، وضعیت پیاده‌رو و دیدپذیری تقاطع‌ها با الگوهای جرم رابطه مستقیم دارند. در ایران نیز چنگیزی (2025) نشان می‌دهد که ساختار فیزیکی، الگوهای استفاده از فضا و کیفیت تعاملات اجتماعی در بافت تاریخی، به‌طور معناداری بر ادراک امنیت شهروندان تأثیر گذارند. قربی و همکاران (1399) نیز با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان دادند که امنیت شهری تحت تأثیر هم‌زمان عوامل کالبدی و اجتماعی قرار دارد و حاتمی و ذاکر حقیقی (1399) تأکید کردند که کیفیت کالبدی زمانی بیشترین اثر را دارد که با روابط اجتماعی قوی همراه باشد.

در همین راستا، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فرسودگی کالبدی، ضعف نگهداشت محیط و بی‌نظمی فضایی از طریق کاهش حضورپذیری و تضعیف کنترل اجتماعی، زمینه افزایش ناامنی را فراهم می‌کنند (قشلاق‌پور و باباخانی، 1400; Hipp, 2010; Ioannidis et al., 2025). این مسئله با نظریه «پنجره‌های شکسته» نیز هم‌راستا است که بی‌نظمی محیطی را عاملی برای تضعیف کنترل اجتماعی و تشدید احساس ناامنی می‌داند. در مقابل، اختلاط کاربری، فضاهای عمومی فعال، خوانایی فضایی و کیفیت محیط شهری از طریق افزایش حضور مستمر کاربران و تقویت نظارت طبیعی، فرصت وقوع جرم را کاهش می‌دهند (Farrington & Welsh, 2007; Gehl, 2011; Jacobs, 1961; Cozens & Davern, 2025). همچنین نوع مسکن و تراکم ساختمانی نیز از طریق تأثیر بر الگوهای تعاملات اجتماعی و نظارت غیررسمی، در شدت کنترل اجتماعی مؤثرند (Hipp et al., 2019; Sypion, 2023).

در کنار عوامل کالبدی، ادبیات نظری و تجربی بر نقش تعیین‌کننده عوامل اجتماعی در امنیت شهری تأکید دارد. نظریه‌های جامعه‌شناختی امنیت، سرمایه اجتماعی، اعتماد متقابل، روابط همسایگی و انسجام اجتماعی را مهم‌ترین بستر

شکل‌گیری کنترل اجتماعی غیررسمی می‌دانند (Putnam, 2000; Forrest & Kearns, 2001). پژوهش‌های آمرین (2024) و پژوهان² (2023) نشان می‌دهند که هرچه شبکه‌های اجتماعی محلی قوی‌تر و مشارکت اجتماعی فعال‌تر باشد، احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد. سامپسون و همکاران (1997)، ویزبورد و همکاران³ (2012) و کرک و لاوب⁴ (2010) نیز نشان داده‌اند که جابه‌جایی مکرر جمعیت، ناهمگونی اجتماعی و کاهش شناخت متقابل، ظرفیت نظارت اجتماعی را تضعیف کرده و زمینه افزایش جرم را فراهم می‌کند. در ایران نیز زیاری (1390)، حسینی و کاملی (1396) و عباسزادگان و همکاران (1395) کاهش انسجام اجتماعی و ناهمگونی فرهنگی را از عوامل مهم احساس ناامنی در محلات شهری دانسته‌اند. در مقابل، نیلوفر یوسفی (1393)، سلاورزی‌زاده و همکاران (1397)، رضایی و همکاران (1403) و بیات (1396) نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی، هویت محله‌ای و تعلق مکانی می‌توانند موجب افزایش احساس امنیت و کاهش پنداشت ناامنی شوند. همچنین کوزنز و لاو⁵ (201)، زانو و همکاران⁶ (2022) و بنت و همکاران⁷ (2009) تأکید می‌کنند که سرمایه اجتماعی حتی قادر است بخشی از آثار منفی ضعف کالبدی را نیز تعدیل کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی می‌توانند بخشی از پیامدهای ناشی از ضعف کالبدی و ناکارآمدی نظارت رسمی را تعدیل کنند.

در سطح نهادی-حکمرانی نیز امنیت شهری تابع کیفیت مدیریت محلی، عدالت فضایی، خدمات شهری و هماهنگی میان کنترل رسمی و غیررسمی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که حضور پلیس و سازوکارهای رسمی نظارت زمانی اثربخش خواهند بود که با مشارکت اجتماعی و طراحی مناسب محیط همراه شوند (Newman, 1972; Choi et al., 2024)، زیرا در غیر این صورت، اثر مداخلات رسمی محدود و کوتاه‌مدت خواهد بود (Kelling et al., 1974). عباس زاده و پروین (1403) نیز بر نقش مدیریت فضا، مرزبندی قلمرو و نظارت طبیعی تأکید کرده‌اند و درودی (1396) نقش مؤلفه‌های کالبدی، دسترسی، نظارت و حس تعلق را در شکل‌گیری امنیت محله‌ای مورد تأیید قرار داده است. همچنین ولش و همکاران⁸ (2024)، مالیک⁹ (2024) و سمپسون و رودنبوش¹⁰ (1999) نشان می‌دهند که کیفیت حکمرانی محلی و خدمات شهری از طریق بهبود نگهداشت محیط، افزایش خوانایی فضایی و کاهش بی‌نظمی، بستر لازم برای فعال شدن سازوکارهای اجتماعی و کالبدی امنیت را فراهم می‌کنند.

مطالعات بین‌المللی جدید نیز نشان می‌دهند که اثرگذاری عوامل کالبدی بر امنیت، وابسته به زمینه اجتماعی و نهادی است. هو و همکاران¹¹ (2025) در چین نشان دادند که اصول CPTED بر ادراک امنیت فضاهای سبز اثرگذار است، اما شرایط اقتصادی-اجتماعی و نیازهای بین‌فردی نقش میانجی مهمی دارند. آیونیدیز و همکاران¹² (2025) نیز تأکید می‌کنند که مداخلات کالبدی بدون تقویت اعتماد اجتماعی و مشارکت محلی، قادر به ارتقای پایدار امنیت نیستند. قاسمی و همکاران (2025) نشان دادند که در کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه، امنیت شهری با چالش‌هایی ناشی از تعارض میان نظارت شهری، حریم خصوصی و نابرابری اجتماعی مواجه است. پژوهش‌های سنا (2025) راپ و همکاران (2025) و خلیجی پور جعفر (2024)، کزنز و همکاران¹³ (2025)، فون فریر و پتروسیان¹⁴ (2025) و ویدیا

¹ Amerian

² Pazhuhan

³ Weisburd et al

⁴ Kirk & Laub

⁵ Cozens & Love

⁶ Zahnow et al

⁷ Bennett et al

⁸ Welsh et al

⁹ Malik

¹⁰ Sampson & Raudenbush

¹¹ Hou et al

¹² Ioannidis et al

¹³ Cairns et al

پوترا و همکاران¹⁵ (2023) نیز نقش مداخلات مبتنی بر CPTED و مشارکت جامعه را در ارتقای امنیت شهری برجسته کرده‌اند.

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی در محلات شهری پدیده‌ای چندبعدی است که از تعامل هم زمان عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی تأثیر می‌پذیرد. با این حال، بخش عمده پژوهش‌ها این ابعاد را به صورت مستقل بررسی کرده‌اند و کمتر پژوهشی به تحلیل هم‌زمان سهم نسبی این عوامل در قالب یک مدل ساختاری یکپارچه پرداخته است. این خلأ به‌ویژه در محلاتی که هم‌زمان با فرسودگی کالبدی، ناهمگونی اجتماعی و ضعف حکمرانی محلی مواجه‌اند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. افزون بر این، با توجه به ماهیت فضا محور امنیت شهری و تأکید رویکرد CPTED بر نقش ساختار فضایی در کنار عوامل اجتماعی، اتکا صرف به داده‌های ادراکی نمی‌تواند تصویر جامعی از امنیت شهری ارائه دهد.

از این رو، پژوهش حاضر با ارائه یک مدل ساختاری یکپارچه، نقش هم‌زمان عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی را در تبیین امنیت اجتماعی محله آزادشهر یزد تحلیل می‌کند. محله آزادشهر یزد به دلیل هم‌زمانی فرسودگی کالبدی، ناهمگونی اجتماعی و چالش‌های مدیریتی، نمونه‌ای مناسب برای تحلیل برهم‌کنش چندلایه عوامل مؤثر بر امنیت شهری محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، تحلیل کالبدی-فضایی مبتنی بر مشاهدات میدانی و تصاویر ماهواره‌ای و نیز مدل‌سازی معادلات ساختاری، در پی پاسخ به این پرسش است که ابعاد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی چه تأثیری بر امنیت اجتماعی ساکنان محله آزادشهر یزد دارند و سهم نسبی هر یک در تبیین این پدیده چگونه است؟

بر این اساس، فرضیات پژوهش عبارت‌اند از:

1. عوامل کالبدی تأثیر معناداری بر امنیت اجتماعی دارند.
 2. عوامل اجتماعی تأثیر معناداری بر امنیت اجتماعی دارند.
 3. عوامل نهادی-حکمرانی تأثیر معناداری بر امنیت اجتماعی دارند.
 4. شدت اثرگذاری عوامل اجتماعی بر امنیت اجتماعی بیش از عوامل کالبدی و نهادی-حکمرانی است.
- جامعه آماری پژوهش شامل ۸۵۴۷ نفر از ساکنان محله آزادشهر یزد بود که از میان آن‌ها ۳۶۷ نفر با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل شدند. همچنین، به منظور انطباق بیشتر با رویکرد CPTED، تحلیل کالبدی-فضایی محدوده شامل بررسی ساختار معابر، کاربری زمین، فضاهای بی‌دفاع و کیفیت محیط شهری نیز انجام شد. یافته‌های پژوهش می‌تواند چارچوبی یکپارچه برای تحلیل امنیت شهری و طراحی مداخلات مکان محور و اجتماع محور در محلات شهری فراهم کند.

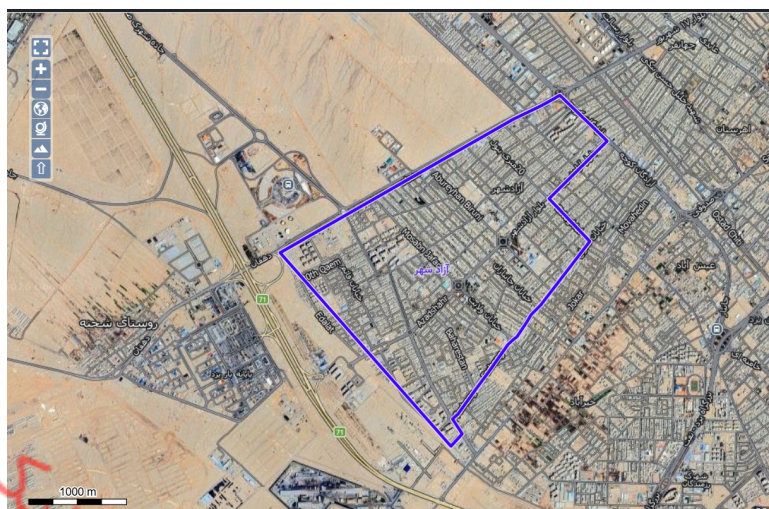
مواد و روش‌ها

محدوده مورد مطالعه

محله آزادشهر در بخش غربی شهر یزد واقع شده و در مجاورت نواحی مسکونی و عملکردی همچون شهرک آزادشهر، خیرآباد، شهرک ولی عصر و شهرک فولاد آلیاژی قرار دارد. بر اساس داده‌های موجود، جمعیت این محله حدود ۸,۵۴۷ نفر برآورد شده و شامل دو زیرمحله اصلی است. از نظر ساختاری، آزادشهر دارای ترکیبی از بافت‌های نسبتاً نوساز و بخش‌هایی با درجاتی از فرسودگی کالبدی است. همچنین تنوع جمعیتی و تحرک نسبی ساکنان، موجب شکل‌گیری الگوهای ناهمگون در روابط اجتماعی و انسجام محله‌ای شده است.

¹⁴ Von Ferber & Petrossian

¹⁵ Widya Putra et al



شکل ۱. موقعیت منطقه آزادشهر در شهر یزد (منبع: نقشه هوایی گوگل، ۱۴۰۴)

موقعیت ارتباطی این محله در مجاورت محورهای اصلی شهری، از یک سو دسترسی پذیری بالایی ایجاد کرده و از سوی دیگر بر ویژگی‌های فضایی و الگوهای نظارت غیررسمی در سطح محله اثرگذار بوده است. بر این اساس، محله آزادشهر به دلیل ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و موقعیت شهری خود، به عنوان مطالعه موردی این پژوهش انتخاب شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد در چارچوب روش ترکیبی با طراحی اکتشافی-متوالی انجام شده است. در این طراحی، ابتدا داده‌های کیفی برای استخراج ابعاد بومی امنیت شهری گردآوری و تحلیل شد و سپس بر اساس نتایج مرحله کیفی، ابزار کمی طراحی و مدل ساختاری آزمون گردید (Creswell & Plano Clark, 2017). این رویکرد با هدف تلفیق درک عمیق زمینه‌ای با امکان تعمیم‌پذیری روابط علی میان متغیرها اتخاذ شد.

با توجه به ماهیت کالبدی-فضایی موضوع، تحلیل میدانی ویژگی‌های عینی محیط نیز به عنوان مکمل داده‌های ادراکی در قالب چارچوب CPTED نسل اول انجام شد. این تحلیل شامل ارزیابی روشنایی، نفوذپذیری شبکه معابر، کیفیت فضاهای عمومی، الگوی استقرار کاربری‌ها و وضعیت نگهداشت محیط بود.

مرحله اول: مطالعه کیفی

این پژوهش در مرحله نخست با رویکرد کیفی اکتشافی انجام شد تا ابعاد کالبدی و اجتماعی مؤثر بر امنیت در محله آزادشهر یزد بر اساس تجربه زیسته ساکنان، کارشناسان و متخصصان استخراج شود. برای این منظور از روش مرور نظام‌مند انتقادی و تحلیل مضمون استفاده شد. این رویکرد امکان می‌دهد:

- شاخص‌های بومی و واقعیت‌مند امنیت شناسایی شوند.
- مؤلفه‌های نظری CPTED نسل اول، دوم و سوم با شرایط واقعی محله ترکیب شوند.
- ابزار پرسشنامه مرحله کمی بر اساس داده‌های واقعی و ادراک مردمی ساخته شود.

در بخش مرور نظری اولیه، فرایند جمع‌آوری و غربال متون علمی مطابق دستورالعمل پریزما انجام شد و منابع مرتبط با امنیت، CPTED، فضای قابل دفاع، سرمایه اجتماعی و حکمرانی محلی از پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی جمع‌آوری و غربال شدند. معیارهای ورود و خروج مقالات به صورت شفاف مشخص شد و منابع منتخب برای تکمیل چارچوب نظری استفاده شدند. بیش از ۳۰۰ مقاله و کتاب از پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی بررسی شد و پس از بررسی عناوین و چکیده‌ها، حذف منابع تکراری و فاقد انسجام نظری ۷۸ منبع منتخب برای تحلیل دقیق و استخراج مفاهیم کلیدی انتخاب شدند.

جامعه، نمونه و روش گردآوری داده‌ها

جامعه آماری این فاز شامل سه گروه ساکنان محله آزادشهر، کارشناسان امور امنیتی و پلیس محله، و متخصصان حوزه شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با معیار دسترسی به اطلاعات غنی و تجربه مستقیم از موضوع، ۲۲ نفر (۱۲ ساکن، ۴ کارشناس امنیتی و ۴ متخصص) انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته (با میانگین زمان ۴۰ دقیقه) انجام و تا رسیدن به اشباع نظری^{۱۶} ادامه یافت. محورهای مصاحبه شامل تجربه امنیت روز و شب، نقاط بی‌دفاع، کیفیت روشنایی و بافت، روابط اجتماعی، اثر مهاجرت و نقش نهادهای محلی بود. مصاحبه‌ها با اجازه شرکت‌کنندگان ضبط و متن‌نویسی شد. رضایت آگاهانه شفاهی از تمام مشارکت‌کنندگان دریافت و مصاحبه‌ها ضبط و سپس متن‌نویسی شد.

تحلیل داده‌های کیفی

تمام داده‌های کیفی (مصاحبه‌ها + متون نظری) با روش ۶ مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۲۱) تحلیل مضمون تحلیل شدند. در گام نخست، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شد و کدهای اولیه از جملات کلیدی استخراج گردید^{۱۷}. در گام دوم، کدهای مشابه در خوشه‌های مفهومی قرار گرفت و مقوله‌های محوری شکل گرفت.

به‌منظور پیوند مرحله کیفی با مرحله کمی، مضامین استخراج‌شده به شاخص‌ها و زیرشاخص‌های قابل سنجش تبدیل شد. برای مثال، مضامین مرتبط با «کمبود روشنایی»، «فضاهای بی‌دفاع»، «نفوذپذیری معابر» و «فرسودگی بافت» به‌عنوان شاخص‌های کالبدی تعریف شدند. به همین ترتیب، مضامینی همچون «تضعیف روابط همسایگی»، «کاهش تعاملات»، «ناهمگونی فرهنگی»، «افزایش مهاجرت» و «سبک زندگی» در قالب شاخص‌های اجتماعی طبقه‌بندی گردید. همچنین یافته‌های مربوط به «ضعف مدیریت محلی»، «حضور ناکافی نهادهای امنیتی» و «عدالت فضایی» به‌عنوان مؤلفه‌های نهادی و حکمرانی مرتبط با CPTED نسل سوم مورد توجه قرار گرفت. در نهایت، سه بعد «امنیت روز»، «امنیت شب» و «امنیت همسایگی» به‌عنوان ابعاد اصلی متغیر امنیت شناسایی شدند. این شاخص‌ها مبنای طراحی گویه‌های پرسشنامه مرحله کمی و مدل مفهومی پژوهش قرار گرفت.

در نهایت، مضامین اصلی و فرعی پژوهش تدوین و با یافته‌های نظری حاصل از مرور نظام‌مند ادبیات تطبیق داده شد. در مجموع ۲۷۴ کد اولیه استخراج و سپس در قالب ۱۳ مقوله فرعی و در نهایت چهار مضمون اصلی طبقه‌بندی شد:

- (۱) عوامل کالبدی (نورپردازی، فضاهای عمومی، اختلاط کاربری، کاربری زمین، قدمت ابنیه، نوع مسکن)،
- (۲) عوامل اجتماعی (تراکم جمعیتی، مهاجرت، مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی، سبک زندگی، حس تعلق و مالکیت، سرمایه اجتماعی)،

- (۳) عوامل نهادی و حکمرانی (حضور پلیس، نظارت رسمی، عدالت فضایی، مدیریت محله، خدمات شهری)،

- (۴) امنیت (امنیت روز، شب و همسایگی).

این مضامین هم‌راستا با اصول CPTED نسل اول (عوامل کالبدی)، نسل دوم (سرمایه اجتماعی و تعاملات محله‌ای) و نسل سوم (حکمرانی محله‌ای و عدالت فضایی) بودند و مبنای طراحی ابزار کمی پژوهش قرار گرفتند.

علاوه بر تحلیل مضامین ادراکی، بخشی از کدگذاری‌ها به‌صورت مستقیم به ویژگی‌های کالبدی قابل مشاهده در محیط اختصاص یافت. این کدها بر اساس مشاهدات میدانی و تطبیق آن‌ها با اظهارات مشارکت‌کنندگان استخراج شدند. به‌عنوان مثال، مفاهیمی مانند «نقاط بی‌دفاع»، «معابر کم‌نور»، «فضاهای رهاشده» و «اختلال در خوانایی فضایی» نه تنها از مصاحبه‌ها استخراج شدند، بلکه در بازدیدهای میدانی نیز مورد تأیید قرار گرفتند. این همپوشانی میان داده‌های ادراکی و شواهد محیطی، به افزایش اعتبار تفسیرهای کیفی کمک کرد.

^{۱۶} اشباع نظری در مصاحبه ۱۹ام حاصل شد و ۳ مصاحبه دیگر برای اطمینان از ثبات مفاهیم انجام گرفت

^{۱۷} نمونه کدهای خام: شب‌ها بعضی کوچه‌ها اصلاً روشنایی ندارد → کد اولیه: کمبود روشنایی، آدم‌های جدید محله رو نمی‌شناسم → گسست روابط همسایگی، پلیس کمتر سر می‌زنه → ضعف گشت امنیت، محله خیلی مهاجرپذیر شده → تنوع جمعیتی / مهاجرت

روایی و اعتبار بخشی تحلیل کیفی

برای افزایش اعتبار یافته‌های کیفی از روش‌های مختلف استفاده شد. نخست، از طریق بازبینی همکاران دو نفر از متخصصان شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری مضامین استخراج شده را ارزیابی کردند. دوم، با استفاده از روش مثلث‌سازی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با شواهد عینی محیطی (مشاهدات میدانی از وضعیت کالبدی محله) و ادبیات نظری CPTED مقایسه شدند. سوم، برای افزایش دقت تحلیل و سازمان‌دهی داده‌ها، نرم‌افزار NVivo به کار گرفته شد. همچنین، پایایی کدگذاری از طریق برآورد ضریب کاپای کوهن و با مقدار 0.82 تأیید شد که نشان دهنده توافق بالا میان کدگذاران است.

مرحله دوم: فاز کمی پژوهش

فاز کمی با هدف آزمون روابط علی میان ابعاد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی با امنیت و مقایسه قدرت تبیین‌کننده هر بعد انجام شد. این مرحله پس از استخراج شاخص‌های بومی در فاز کیفی و تدوین چارچوب مفهومی، برای آزمون روابط علی و مقایسه قدرت تبیین نسبی ابعاد مختلف طراحی گردید. رویکرد کمی پژوهش از نوع پیمایشی - تحلیلی است و از مدل‌سازی معادلات ساختاری با مبنای تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل همه ساکنان آزادشهر (۸,۵۴۷ نفر) بود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و در سطح اطمینان 95 درصد و خطای مجاز 0.05 برابر 367 نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام شد تا همه اعضای جامعه آماری شانس برابر برای انتخاب شدن داشته باشند. این حجم نمونه با توجه به استانداردهای مدل‌سازی معادلات ساختاری (حداقل ۲۰۰ نمونه یا نسبت ۱۰ مشاهده برای هر پارامتر) مناسب ارزیابی شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای محقق ساخته جمع‌آوری شد که مبتنی بر یافته‌های فاز کیفی و مکمل شده با ادبیات نظری مرتبط (از جمله مطالعات داخلی و بین‌المللی در حوزه امنیت شهری) طراحی گردید (جدول ۲). تمام گویه‌ها با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱ = کاملاً مخالف تا ۵ = کاملاً موافق) سنجیده شدند. برای اطمینان از قابلیت فهم پرسشنامه، پیش‌آزمون (پایلوت) روی ۳۰ نفر انجام و اصلاحات لازم اعمال شد.

جدول ۲. سازه‌ها، ابعاد و تعداد گویه‌ها در پرسشنامه (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

سازه	ابعاد فرعی	تعداد گویه‌ها	منبع نظری
عوامل کالبدی	نورپردازی، کیفیت ابنیه، اختلاط کاربری، دسترسی و نفوذپذیری، وضعیت فضاهای عمومی	۲۱	تحلیل کیفی + CPTED نسل اول
عوامل اجتماعی	تراکم جمعیتی، مهاجرت، سرمایه اجتماعی، روابط همسایگی، مشارکت اجتماعی، حس تعلق و مالکیت، سبک زندگی.	۲۳	تحلیل کیفی + CPTED نسل دوم
عوامل نهادی و حکمرانی	حضور پلیس، نظارت رسمی، عدالت فضایی، مدیریت محله، خدمات شهری	۱۷	تحلیل کیفی + CPTED نسل سوم
امنیت	امنیت روز، امنیت شب، امنیت همسایگی	۹	ادبیات نظری امنیت

* پس از حذف سؤالات A5 و A6 به دلیل بار عاملی پایین (۰.۲۰ و ۰.۱۲)، مدل نهایی شامل ۸ سؤال برای سازه امنیت است.

لازم به ذکر است که گویه‌های مرتبط با بعد کالبدی، علاوه بر استخراج از تحلیل کیفی، بر مبنای مشاهدات مستقیم از وضعیت فضایی محله نیز تدوین شدند؛ به گونه‌ای که تلاش شد ادراک پاسخ‌دهندگان با شرایط واقعی محیطی همخوانی داشته باشد. این رویکرد موجب شد سنجش عوامل کالبدی صرفاً ذهنی نبوده، بلکه بازتابی از ویژگی‌های عینی فضا نیز باشد.

روایی و پایایی ابزار

برای اطمینان از کیفیت ابزار پژوهش، روایی محتوا از طریق نظر ۶ متخصص در حوزه‌های شهرسازی، جامعه‌شناسی شهری و جرم‌شناسی بررسی شد که نتایج آن نشان‌دهنده تأیید روایی با شاخص‌های $CVR = 0.89$ و $CVI = 0.91$ بود.

سپس روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) ارزیابی شد. پایایی ابزار نیز با استفاده از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی در سطح قابل قبول تأیید شد. نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. پایایی و روایی سازه‌ها (CFA) (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

سازه	آلفای کرونباخ (α)	پایایی ترکیبی CR	میانگین واریانس استخراج شده AVE	نتیجه روایی	وضعیت
عوامل کالبدی	۰.۷۴	۰.۸۲	۰.۵۶	روایی همگرا تأیید شد	قابل قبول
عوامل اجتماعی	۰.۷۹	۰.۸۹	۰.۶۲	روایی همگرا تأیید شد	مطلوب
عوامل نهادی-حکمرانی	۰.۸۱	۰.۹۰	۰.۵۹	روایی همگرا تأیید شد	مطلوب
امنیت	۰.۷۴	۰.۸۲	۰.۵۶	روایی همگرا تأیید شد	قابل قبول

شاخص‌های برازش مدل

برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری با استفاده از شاخص‌های استاندارد (Hu & Bentler, 1999; Kline, 2016) بررسی شد. نتایج نشان داد مدل از برازش مطلوب برخوردار است ($\chi^2/df = 2.41$, CFI = 0.94, TLI = 0.95, RMSEA = 0.058, 0.044, SRMR = 0.058).

نرم‌افزارهای تحلیل

در بخش کیفی جهت استخراج شاخص‌ها از داده‌های کیفی از نرم‌افزار NVivo 12 استفاده شد. تمام تحلیل‌های کمی در نرم‌افزار SPSS برای تحلیل‌های مقدماتی و پایایی، و نرم‌افزار AMOS برای اجرای CFA و SEM انجام شد. در صورت نیاز، تحلیل‌های تکمیلی همچون بوت‌استرپینگ با تکرارهای بالا نیز اجرا شد.

نتایج و بحث

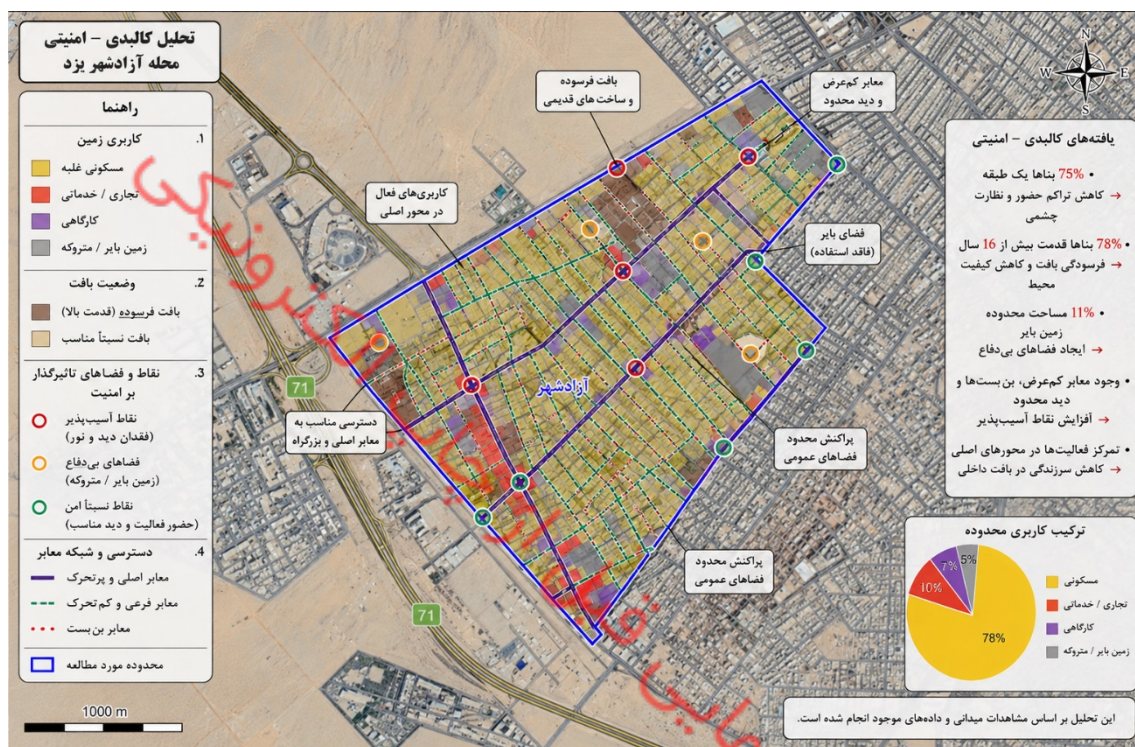
به‌منظور آزمون اثر ابعاد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی بر امنیت اجتماعی در محله آزادشهر یزد، از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. برخلاف رویکردهای متداول که ابعاد مختلف را به صورت همزمان در قالب یک مدل اولیه برآورد می‌کنند، در این پژوهش هر بعد به صورت مستقل مورد آزمون قرار گرفت تا امکان مقایسه مستقیم قدرت تبیین، ضرایب مسیر و سهم نسبی هر بعد در شکل‌دهی امنیت اجتماعی فراهم شود (Kline, 2023). داده‌های پژوهش از طریق پیمایش 367 نفر از ساکنان محله آزادشهر یزد گردآوری شد. تحلیل‌ها در سه سطح شامل: ۱- مدل اندازه‌گیری، ۲- همبستگی‌های دو متغیره و ۳- آزمون مدل ساختاری انجام شد. به‌منظور افزایش اعتبار تفسیری یافته‌ها، نتایج حاصل از داده‌های پیمایشی با مشاهدات میدانی و تحلیل کالبدی-فضایی محدوده شامل وضعیت روشنایی، خوانایی فضایی، نفوذپذیری، الگوی کاربری زمین، کیفیت فضاهای عمومی و میزان فرسودگی بافت تطبیق داده شد. این رویکرد ترکیبی امکان تفسیر همزمان «ادراک امنیت» و «واقعیت فضایی امنیت» را فراهم ساخت.

تحلیل بعد کالبدی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی

تحلیل عینی ویژگی‌های کالبدی مؤثر بر امنیت

بررسی ویژگی‌های کالبدی-فضایی محله آزادشهر نشان می‌دهد که ساختار فضایی و کیفیت محیطی محدوده، در برخی بخش‌ها مستعد شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع شهری است (شکل 2). غلبه کاربری مسکونی در بخش عمده بافت و تمرکز فعالیت‌های تجاری، خدماتی و کارگاهی در امتداد محورهای اصلی، موجب شده است سرزندگی و حضورپذیری در بخش‌هایی از بافت داخلی محله، به‌ویژه در ساعات شب، کاهش یابد. این وضعیت سبب می‌شود نظارت طبیعی در معابر فرعی و فضاهای کم‌تحرک تضعیف شده و زمینه بروز احساس ناامنی افزایش پیدا کند. در واقع، فضاهای فاقد حضور مستمر اجتماعی و فعالیت روزمره، بیش از سایر بخش‌ها در معرض تبدیل شدن به فضاهای بی‌دفاع شهری قرار دارند. مشاهدات میدانی نشان داد که فضاهای فاقد فعالیت مستمر اجتماعی، به‌ویژه معابر بن‌بست، فضاهای رهاشده و جداره‌های غیرفعال، بیش از سایر بخش‌ها در معرض تبدیل شدن به فضاهای بی‌دفاع قرار دارند. همچنین وجود زمین‌های بایر و

رهاشده (حدود 11 درصد مساحت محله)، غلبه ساختمان‌های یک طبقه (75 درصد) و قدمت نسبتاً بالای ابنیه (78 درصد بناها با عمر بیش از 16 سال)، بیانگر افت کیفیت محیطی و فرسودگی نسبی بافت شهری است. این شرایط، به‌ویژه در معابر کم‌عرض و بخش‌های فاقد فعالیت مداوم، موجب کاهش دیدپذیری، افت خوانایی فضایی و محدود شدن تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شده است. در مقابل، محورهای اصلی که از روشنایی مناسب‌تر، دسترسی بهتر و حضور کاربری‌های فعال در طبقه همکف برخوردارند، دارای سطح بالاتری از نظارت طبیعی، تحرک پیاده و احساس امنیت هستند.



شکل ۲. سازمان فضایی و بستر کالبدی مؤثر بر امنیت در محله آزادشهر (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

تحلیل فضایی محدوده نشان می‌دهد که میان کیفیت عناصر کالبدی و ادراک امنیت ساکنان رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که فضاهای دارای روشنایی مناسب، پیوستگی حرکتی، دسترسی‌پذیری بهتر و حضورپذیری بیشتر، از سطح بالاتری از امنیت ادراک شده برخوردارند، در حالی که فضاهای رهاشده، کم‌نور و فاقد نظارت طبیعی، به کانون‌های بالقوه ناامنی تبدیل شده‌اند. این یافته‌ها با اصول CPTED نسل اول، به‌ویژه در زمینه نقش نظارت طبیعی، کنترل فضایی، کیفیت نگهداشت محیط و کاهش فرصت‌های جرم همخوانی دارد و نشان می‌دهد که سازمان فضایی و کیفیت کالبدی محیط می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت یا تضعیف احساس امنیت اجتماعی ایفا کند.

ارزیابی مدل اندازه‌گیری بعد کالبدی

سازه «بعد کالبدی» شامل شش شاخص اصلی نورپردازی، فضاهای عمومی، اختلاط کاربری، کاربری زمین، قدمت ابنیه و نوع مسکن بود. در فرآیند پالایش مدل، دو گویه A5 و A6 به دلیل بار عاملی بسیار پایین (0.20 و 0.12) حذف شدند تا شاخص‌های پایایی و برازش مدل بهبود یابد.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که تمامی بارهای عاملی سؤالات باقی‌مانده در محدوده 0.32 تا 0.96 قرار دارند (جدول 6). تنها سؤال A10 با بار عاملی 0.32 اندکی پایین‌تر از آستانه رایج 0.40 قرار داشت؛ با این حال، به دلیل اهمیت مفهومی سؤال و ثبات شاخص‌های پایایی مدل، این گویه در مدل نهایی حفظ شد.

پایایی سازه کالبدی با آلفای کرونباخ $\alpha = 0.74$ و پایایی ترکیبی $CR = 0.82$ تأیید شد. شاخص‌های $AVE = 0.56$ و $CR = 0.82$ نیز نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرایی مطلوب بودند.^{۱۸}

جدول ۶. مقادیر بار عاملی مربوط به سوالات بعد کالبدی (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

سازه‌ها	سوالات سازه و بار عاملی
نورپردازی	$N3=0.63$ ، $N2=0.70$ ، $N1=0.72$
مسکن	$H3=0.68$ ، $H2=0.74$ ، $H1=0.62$
فضاهای عمومی	$F3=0.53$ ، $F2=0.87$ ، $F1=0.87$
اختلاط کاربری	$E4=0.64$ ، $E3=0.59$ ، $E2=0.85$ ، $E1=0.60$
کاربری زمین	$K4=0.96$ ، $K3=0.90$ ، $K2=0.96$ ، $K1=0.48$
قدمت ابنیه	$G4=0.52$ ، $G3=0.46$ ، $G2=0.76$ ، $G1=0.46$
امنیت	$A10=0.32$ ، $A9=0.52$ ، $A8=0.50$ ، $A7=0.74$ ، $A4=0.51$ ، $A3=0.58$ ، $A2=0.66$ ، $A1=0.51$

همبستگی بعد کالبدی و امنیت اجتماعی

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که تمامی شاخص‌های کالبدی با ابعاد مختلف امنیت شامل امنیت روز، امنیت شب و امنیت همسایگی، دارای رابطه مثبت و معنادار هستند ($p < 0.01$). بیشترین همبستگی مربوط به شاخص فضاهای عمومی با امنیت همسایگی ($r = 0.47$) و پس از آن نورپردازی با امنیت روز ($r = 0.41$) بود. همچنین، اختلاط کاربری و کاربری زمین نیز همبستگی مثبت و معناداری با ابعاد مختلف امنیت نشان دادند، هرچند شدت این روابط نسبت به فضاهای عمومی و نورپردازی کمتر بود.

جدول ۷. ضرایب همبستگی بین شاخص‌های کالبدی و ابعاد امنیت (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

متغیرها	امنیت روز	امنیت شب	امنیت همسایگی
نورپردازی (N)	**۴۱،۰	**۳۹،۰	**۳۶،۰
فضاهای عمومی (F)	**۴۶،۰	**۴۴،۰	**۴۷،۰
اختلاط کاربری (E)	**۳۴،۰	**۳۲،۰	**۳۶،۰
کاربری زمین (K)	**۳۰،۰	**۲۸،۰	**۳۳،۰
قدمت ابنیه (G)	*۲۱،۰	*۲۰،۰	*۲۳،۰
نوع مسکن (H)	*۲۴،۰	*۲۲،۰	*۲۶،۰

*در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (P)، **در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (P)

این یافته‌ها نشان می‌دهد که بهبود کیفیت فضاهای عمومی، ارتقای روشنایی معابر و تقویت کیفیت سکونت می‌تواند نقش مؤثری در افزایش ادراک امنیت ایفا کند. در تفسیر فضایی نتایج نیز مشاهده شد که در بخش‌هایی از آزادشهر که از روشنایی مناسب، حضور کاربری‌های فعال در طبقه همکف و پیوستگی شبکه معابر برخوردارند، امکان نظارت طبیعی افزایش یافته و احساس امنیت، به‌ویژه در ساعات شب، تقویت شده است.

در مقابل، در معابر کم‌عرض، بن‌بست‌ها و فضاهای فاقد فعالیت مستمر، به‌ویژه در نواحی دارای بافت فرسوده، کاهش دیدپذیری و حضورپذیری به شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع شهری منجر شده است. همچنین، ضعف در کیفیت و پراکنش فضاهای عمومی در برخی بخش‌های محله موجب کاهش تعاملات اجتماعی و تضعیف نظارت غیررسمی شده است. این نتایج نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی صرفاً حاصل حضور نهادهای رسمی کنترل‌کننده نیست، بلکه تا حد زیادی متأثر از کیفیت سازمان فضایی و میزان امکان حضور، تعامل و نظارت طبیعی در محیط شهری است.

آزمون مدل ساختاری بعد کالبدی

¹⁸ معیارهای قبولی $\alpha \geq 0.7$ ، $CR \geq 0.7$ ، $AVE \geq 0.5$ (Hair et al., 2022)

نتایج مدل ساختاری جداگانه نشان داد که بعد کالبدی توانسته است ۲۳٪ از واریانس امنیت اجتماعی را تبیین کند ($R^2 = 0.23$). بر اساس معیارهای کوهن (۱۹۸۸)، این مقدار در مرز تأثیر متوسط (۰.۱۳) و قوی (۰.۲۶) قرار دارد و می توان آن را «متوسط - قوی» ارزیابی کرد.

ضریب مسیر استاندارد: $\beta = 0.31$

t-value = 4.21 ($p < 0.001$)

یافته‌های مدل ساختاری با مشاهدات میدانی نیز همخوانی دارد؛ به گونه‌ای که در بخش‌های برخورد از روشنایی مناسب، خوانایی فضایی و حضور کاربری‌های فعال، سطح امنیت ادراک شده بالاتر بوده است، در حالی که فضاهای رها شده، کم‌تر حرکت و فاقد حضور اجتماعی مستمر، بیشترین ظرفیت را برای شکل‌گیری ناامنی داشته‌اند. این نتایج، نقش کیفیت محیط کالبدی را نه به عنوان عامل مستقل و قطعی، بلکه به عنوان بستری تسهیل کننده در تولید یا تضعیف امنیت اجتماعی نشان می‌دهد.

تحلیل بعد کالبدی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی

ارزیابی مدل اندازه‌گیری بعد اجتماعی

سازه «بعد اجتماعی» شامل هفت شاخص اصلی تراکم جمعیتی، مهاجرت، مشارکت اجتماعی، روابط همسایگی، سبک زندگی، حس تعلق و مالکیت، سرمایه اجتماعی بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که اکثر بارهای عاملی در محدوده ۰.۴۹ تا ۰.۹۹ قرار دارند (جدول ۸). پایین‌ترین بارهای عاملی مربوط به سؤال $Mo3 = 0.49$ (مشارکت اجتماعی) است که اندکی پایین‌تر از آستانه رایج ۰.۵۰ قرار گرفته‌اند؛ با این حال، با توجه به محتوای نظری ضروری این سؤالات و ثبات شاخص‌های کلی پایایی، تصمیم به حفظ آن‌ها گرفته شد.

جدول ۸. مقادیر بار عاملی مربوط به سؤالات بعد اجتماعی (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

سؤالات سازه و بار عاملی	سازه‌ها
$T4=0.87$, $T3=0.63$, $T2=0.70$, $T1=0.72$	تراکم جمعیتی
$M4=0.73$, $M3=0.84$, $M2=0.81$, $M1=0.68$	مهاجرت
$Mo4=0.52$, $Mo3=0.49$, $Mo2=0.81$	مشارکت اجتماعی
$Ni4=0.84$, $Ni3=0.96$, $Ni2=0.95$, $Ni1=0.76$	روابط همسایگی
$L2=0.95$, $L1=0.99$	سبک زندگی
$P4=0.82$, $P3=0.79$, $P2=0.60$, $P1=0.51$	حس تعلق و مالکیت
$S3=0.71$, $S2=0.89$, $S1=0.64$	سرمایه اجتماعی
$A10=0.32$, $A9=0.52$, $A8=0.50$, $A7=0.74$, $A4=0.51$, $A3=0.58$, $A2=0.66$, $A1=0.51$	امنیت

پایایی سازه اجتماعی با آلفای کرونباخ $\alpha = 0.79$ و پایایی ترکیبی $CR = 0.89$ تأیید شد. شاخص‌های میانگین واریانس استخراج شده $AVE = 0.62$ و $CR = 0.89$ نیز نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرایی مطلوب بودند.

همبستگی بعد اجتماعی و امنیت

ماتریس همبستگی (جدول ۹) نشان می‌دهد که بیشترین همبستگی مثبت با امنیت اجتماعی مربوط به روابط همسایگی ($r = 0.50$) با امنیت همسایگی، سرمایه اجتماعی ($r = 0.46$) و حس تعلق و مالکیت ($r = 0.47$) است. در مقابل، شاخص مهاجرت رابطه منفی معناداری با همه ابعاد امنیت دارد ($r = -0.26$ تا $r = -0.29$)، که نشان‌دهنده کاهش امنیت در شرایط بالا بودن نرخ مهاجرت است.

این یافته‌ها با رویکردهای جامعه‌محور امنیت شهری و نظریه سرمایه اجتماعی همخوانی دارد؛ به‌ویژه دیدگاه‌هایی که امنیت را نه صرفاً محصول کنترل رسمی، بلکه حاصل انسجام اجتماعی، اعتماد متقابل و ظرفیت کنش جمعی می‌دانند. بر این اساس، امنیت اجتماعی بیش از آنکه صرفاً در زیرساخت‌های فیزیکی یا سازوکارهای نظارتی ریشه داشته باشد، در کیفیت روابط انسانی و میزان پیوند افراد با محیط زندگی روزمره شکل می‌گیرد.

جدول ۹. ضرایب همبستگی بین شاخص‌های اجتماعی و امنیت (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

متغیرها	امنیت روز	امنیت شب	امنیت همسایگی
تراکم جمعیتی (T)	**۳۲٫۰	**۳۰٫۰	**۳۴٫۰
مهاجرت (M)	**۲۸٫۰	**۲۶٫۰	**۲۹٫۰
مشارکت اجتماعی (Mo)	**۴۱٫۰	**۳۹٫۰	**۴۳٫۰
روابط همسایگی (Ni)	**۴۸٫۰	**۴۶٫۰	**۵۰٫۰
سبک زندگی (L)	**۳۶٫۰	**۳۳٫۰	**۳۸٫۰
حس تعلق و مالکیت (P)	**۴۴٫۰	**۴۱٫۰	**۴۷٫۰
سرمایه اجتماعی (S)	**۴۵٫۰	**۴۲٫۰	**۴۶٫۰

*در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (P)، **در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (P)

آزمون مدل ساختاری بعد اجتماعی

نتایج مدل ساختاری جداگانه نشان داد که بعد اجتماعی توانسته است ۵۷٪ از واریانس امنیت را تبیین کند ($R^2 = 0.57$). بر اساس معیارهای کوهن (1988)، این مقدار نشان‌دهنده یک تأثیر قوی است (آستانه تأثیر قوی: $R^2 \geq 0.26$).

ضریب مسیر استاندارد: $\beta = 0.56$ t-value = 11.74 ($p < 0.001$)

نتایج نشان می‌دهد که روابط همسایگی و سرمایه اجتماعی، نوعی «زیرساخت نرم امنیت» را در محله شکل می‌دهند؛ زیرساختی که از طریق نظارت غیررسمی، مسئولیت‌پذیری جمعی و حضور فعال ساکنان در فضاهای عمومی عمل می‌کند. در چنین شرایطی، امنیت نه صرفاً از طریق مداخلات کنترلی رسمی، بلکه از دل تعاملات روزمره، اعتماد اجتماعی و احساس تعلق به محیط زندگی تولید می‌شود.

همچنین، رابطه منفی مهاجرت با امنیت نشان می‌دهد که ناپایداری جمعیتی و ضعف در تداوم روابط اجتماعی می‌تواند انسجام محلی را تضعیف کرده و ظرفیت کنترل اجتماعی غیررسمی را کاهش دهد. بنابراین، امنیت پایدار در محلات شهری نیازمند تقویت پیوندهای اجتماعی، حمایت از شبکه‌های همسایگی و افزایش مشارکت ساکنان در فرآیندهای محلی است؛ امری که بدون توجه به ابعاد اجتماعی توسعه شهری، تحقق آن دشوار خواهد بود.

تحلیل بعد نهادی-حکمرانی و امنیت اجتماعی

ارزیابی مدل اندازه‌گیری بعد نهادی-حکمرانی

سازه «بعد نهادی-حکمرانی» شامل پنج شاخص اصلی حضور پلیس، نظارت رسمی، عدالت قضایی، مدیریت محله و خدمات شهری بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که تمام بارهای عاملی در محدوده ۰.۶۲ تا ۰.۸۷ قرار دارند.

جدول ۱۰. مقادیر بار عاملی مربوط به سؤالات بعد نهادی-حکمرانی (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

سؤالات سازه و بار عاملی	سازه‌ها
P2=0.75 , P1=0.72	حضور پلیس
O3=0.68 , O2=0.70 , O1=0.62	نظارت رسمی
J4=0.74 , J3=0.69 , J2=0.73 , J1=0.65	عدالت قضایی
E4=0.67 , E3=0.78 , E2=0.85 , E1=0.74	مدیریت محله
R4=0.87 , R3=0.86 , R2=0.73 , R1=0.71	خدمات شهری
A10=0.32 , A9=0.52 , A8=0.50 , A7=0.74 , A4=0.51 , A3=0.58 , A2=0.66 , A1=0.51	امنیت

پایایی سازه نهادی-حکمرانی با آلفای کرونباخ $\alpha = 0.81$ و پایایی ترکیبی $CR = 0.9$ تأیید شد. همچنین مقدار $AVE = 0.59$ بالاتر از ۰.۵۰ بوده و نشان‌دهنده روایی همگرا و پایایی مناسب است.

همبستگی بعد نهادی-حکمرانی و امنیت

نتایج ماتریس همبستگی پیرسون (جدول ۱۱) نشان داد که تمامی شاخص‌های بعد نهادی-حکمرانی دارای رابطه مثبت و معنادار با ابعاد مختلف امنیت هستند ($p < 0.01$). بیشترین همبستگی مربوط به مدیریت محله با امنیت همسایگی

($r = 0.41$) و پس از آن خدمات شهری ($r = 0.38$) بود. همچنین حضور پلیس و نظارت رسمی نیز با امنیت روز، شب و همسایگی رابطه مثبت معناداری نشان دادند، هرچند شدت این روابط نسبت به مدیریت محله و خدمات شهری کمتر بود.

جدول ۱۱. ماتریس همبستگی پیرسون بین شاخص‌های بعد نهادی-حکمرانی و امنیت (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

متغیرها	امنیت روز	امنیت شب	امنیت همسایگی
حضور پلیس (P)	**۳۴٫۰	**۳۲٫۰	**۳۶٫۰
نظارت رسمی (O)	**۳۱٫۰	**۲۹٫۰	**۳۳٫۰
عدالت فضایی (J)	**۲۸٫۰	**۲۶٫۰	**۳۰٫۰
مدیریت محله (E)	**۳۹٫۰	**۳۷٫۰	**۴۱٫۰
خدمات شهری (R)	**۳۶٫۰	**۳۴٫۰	**۳۸٫۰

*در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار (P)، **در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار (P)

این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی محلی و نحوه مدیریت روزمره فضاهای شهری، نقش مهمی در ارتقای امنیت ادراک شده ساکنان دارد. در بخش‌هایی از محله که خدمات شهری منظم‌تر، پاسخگویی مدیریتی سریع‌تر و تعامل میان مدیریت محله و ساکنان فعال‌تر بوده است، سطح بالاتری از امنیت ادراک شده مشاهده شد. همچنین، رابطه مثبت عدالت فضایی با امنیت بیانگر آن است که توزیع متوازن خدمات و امکانات شهری می‌تواند به کاهش احساس نابرابری فضایی و تقویت احساس امنیت اجتماعی منجر شود.

گام سوم: آزمون فرضیه‌ها و مدل ساختاری (فرضیه ۳: تأثیر بعد نهادی-حکمرانی بر امنیت اجتماعی)

نتایج مدل ساختاری جداگانه نشان داد که بعد نهادی-حکمرانی توانسته است ۱۹٪ از واریانس امنیت را تبیین کند ($R^2 = 0.19$). بر اساس معیارهای کوهن (1988)، این مقدار نشان‌دهنده یک تأثیر متوسط-ضعیف است (آستانه تأثیر متوسط: $R^2 = 0.13$).

ضریب مسیر استاندارد: $\beta = 0.29$

$t\text{-value} = 3.98$ ($p < 0.001$)

با وجود معنادار بودن این رابطه، مقدار نسبتاً محدود R^2 نشان می‌دهد که مداخلات نهادی و سازوکارهای رسمی به تنهایی قادر به تولید امنیت پایدار نیستند و اثربخشی آن‌ها تا حد زیادی وابسته به وجود بسترهای اجتماعی و کالبدی مناسب است. به بیان دیگر، حضور پلیس، نظارت رسمی و خدمات شهری زمانی می‌توانند نقش مؤثرتری در ارتقای امنیت ایفا کنند که در تعامل با انسجام اجتماعی، مشارکت محلی و کیفیت محیط شهری عمل کنند.

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که مدیریت محله و خدمات شهری، بیش از سازوکارهای صرفاً کنترلی، در ارتقای امنیت ادراک شده نقش دارند. این نتایج با رویکردهای حکمرانی شهری و نظریه‌های کارآمدی نهادی همخوانی دارد؛ رویکردهایی که امنیت را محصول تعامل میان اعتماد عمومی، کیفیت خدمات و اثربخشی مدیریت شهری می‌دانند.

مقایسه اثر سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی بر امنیت

در مرحله نهایی تحلیل، اثر سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی بر سازه «امنیت» مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج نشان داد که تمامی مسیرها از نظر آماری معنادار هستند ($p < 0.001$)، اما شدت اثرگذاری آن‌ها متفاوت است. بر اساس ضرایب مسیر استاندارد مدل‌های جداگانه:

• بعد اجتماعی قوی‌ترین اثر را داشته است ($\beta = 0.56$ ، $t = 11.74$)،

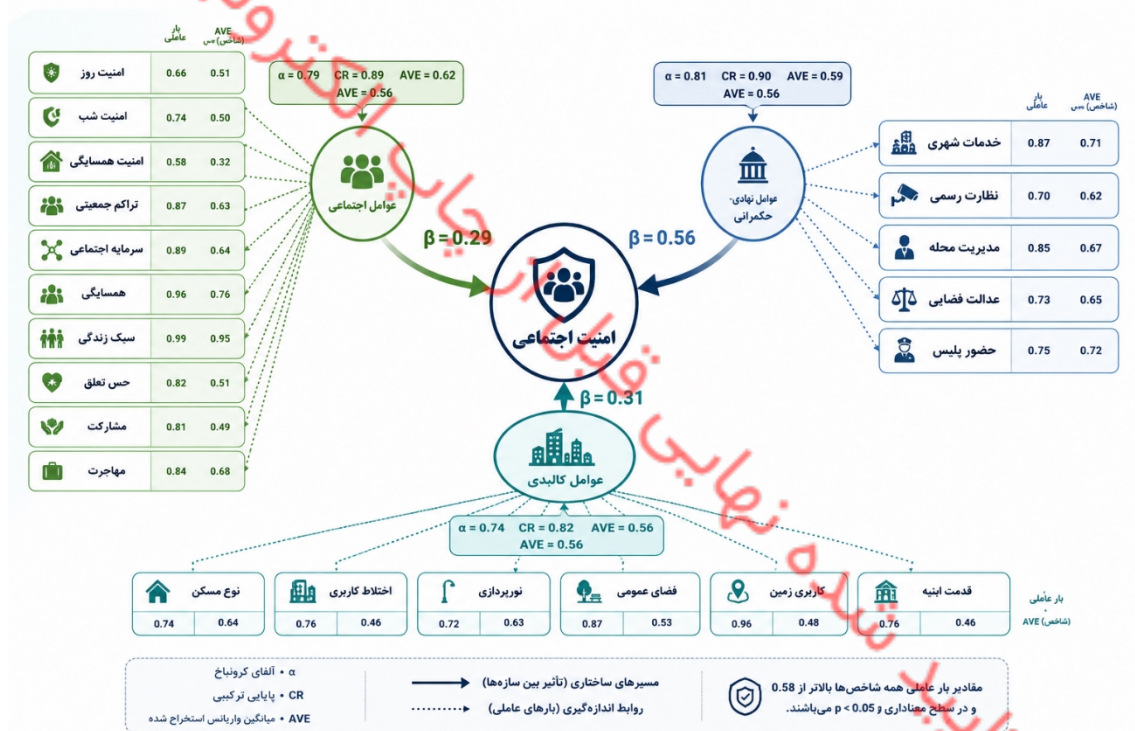
• بعد کالبدی در رتبه دوم قرار دارد ($\beta = 0.31$ ، $t = 4.21$)،

• و بعد نهادی-حکمرانی با $\beta = 0.29$ و $t = 3.98$ ، کمترین تأثیر مستقیم را دارد.

بررسی ابعاد اجتماعی نشان داد که مؤلفه‌هایی نظیر روابط همسایگی، حس تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ادراک امنیت دارند. این یافته بیانگر آن است که امنیت اجتماعی در سطح

محله، بیش از آنکه صرفاً محصول مداخلات کالبدی یا کنترل رسمی باشد، متأثر از کیفیت تعاملات اجتماعی، اعتماد متقابل و میزان پیوند ساکنان با محیط زندگی روزمره است. در چنین شرایطی، تقویت انسجام اجتماعی و افزایش تعاملات همسایگی می‌تواند ظرفیت نظارت غیررسمی و کنترل اجتماعی را ارتقا داده و به کاهش احساس ناامنی منجر شود. در بعد کالبدی نیز یافته‌ها نشان داد که کیفیت فضاهای عمومی، روشنایی معابر، حضورپذیری فضاها، اختلاط کاربری و نحوه سازماندهی فضایی محیط، نقش مهمی در تقویت نظارت طبیعی و کاهش فضاهای بی‌دفاع دارند. با این حال، نتایج نشان می‌دهد که اثرگذاری عوامل کالبدی تا حد زیادی وابسته به وجود زمینه‌های اجتماعی فعال در محله است. به بیان دیگر، مداخلات کالبدی زمانی می‌توانند به امنیت پایدار منجر شوند که در تعامل با شبکه‌های اجتماعی محلی و حضور مستمر ساکنان عمل کنند.

یافته‌های مربوط به بعد نهادی-حکمرانی نیز نشان داد که حضور نهادهای مدیریتی، کیفیت خدمات شهری، عدالت فضایی و نظارت رسمی، اگرچه بر امنیت اثرگذارند، اما نقش آن‌ها بیشتر تسهیل‌کننده و پشتیبان است. اثربخشی این مؤلفه‌ها در گرو وجود اعتماد عمومی، مشارکت محلی و ارتباط مؤثر میان ساکنان و نهادهای مدیریت شهری است.



شکل ۴. مدل نهایی مفهومی و ساختاری روابط میان عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی با امنیت

در مدل یکپارچه نهایی، سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی در مجموع توانستند 63 درصد از واریانس امنیت را تبیین کنند ($R^2 = 0.63$) که نشان‌دهنده قدرت تبیین بالای مدل است. در این مدل، سهم نسبی بعد اجتماعی بیش از سایر ابعاد بود ($\beta = 0.48$)، در حالی که ابعاد کالبدی ($\beta = 0.22$) و نهادی-حکمرانی ($\beta = 0.18$) سهم کمتری در تبیین مستقیم امنیت داشتند (شکل ۴).

این یافته‌ها با مبانی نظری CPTED، به‌ویژه نسل دوم و سوم آن، همخوانی دارد. در حالی که نسل اول CPTED بر طراحی کالبدی و کنترل فضایی تأکید می‌کند، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که امنیت پایدار در محلات شهری، صرفاً از طریق اصلاحات فیزیکی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند تقویت سرمایه اجتماعی، مشارکت محلی و حکمرانی محله‌محور است. بر این اساس، امنیت اجتماعی را می‌توان محصول تعامل چندلایه میان کیفیت محیط کالبدی، انسجام اجتماعی و ظرفیت نهادی محله دانست؛ تعاملی که در آن، عوامل اجتماعی نقش محوری‌تری در شکل‌دهی ادراک امنیت ایفا می‌کنند.

تفسیر و استدلال و جایگاه یافته ها در چارچوب نظری

یافته‌های این پژوهش تصویر نسبتاً جامعی از سازوکارهای اثرگذار بر امنیت اجتماعی در محله آزادشهر یزد ارائه می‌دهد. نتایج مدل‌های ساختاری نشان داد که هر سه بعد کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی، تأثیر معناداری بر امنیت اجتماعی دارند؛ با این حال، شدت، نحوه و الگوی اثرگذاری این ابعاد یکسان نیست. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که امنیت شهری پدیده‌ای چندبعدی و میان‌رشته‌ای است و ارتقای آن نیازمند رویکردی تلفیقی است که به طور همزمان ابعاد کالبدی، اجتماعی و نهادی را در نظر گیرد.

۱- بعد کالبدی: نقش زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده امنیت

نتایج مدل ساختاری نشان داد که بعد کالبدی با ضریب مسیر $\beta=0.31$ و مقدار $t=4.21$ اثر مثبت و معناداری بر امنیت اجتماعی دارد، اما قدرت تبیین آن در مقایسه با بعد اجتماعی متوسط ارزیابی می‌شود. این یافته نشان می‌دهد که کیفیت محیط فیزیکی، اگرچه در کاهش فرصت‌های جرم، افزایش نظارت طبیعی و ارتقای حضورپذیری فضا مؤثر است، اما به تنهایی قادر به تولید امنیت پایدار نیست. این نتیجه با مبانی نظری CPTED نسل اول و نظریه فضای قابل دفاع نیومن همخوان است که محیط کالبدی را بستری برای تسهیل کنترل اجتماعی و کاهش فرصت‌های جرم می‌دانند (Jacobs, 1961; Newman, 1972; Cozens, 2016).

در میان شاخص‌های کالبدی، مؤلفه‌هایی نظیر نورپردازی، کیفیت فضاهای عمومی، اختلاط کاربری و خوانایی فضایی بیشترین همبستگی را با امنیت نشان دادند. تحلیل‌های میدانی نیز این یافته‌ها را تأیید کرد؛ به گونه‌ای که معابر کم‌نور، جداره‌های غیرفعال، فضاهای رهاشده و بن‌بست‌های فاقد حضور اجتماعی، بیش از سایر بخش‌ها به عنوان نقاط دارای احساس ناامنی شناسایی شدند. همچنین وجود زمین‌های بایر، فرسودگی نسبی ابنیه و غلبه ساختمان‌های یک‌طبقه در برخی بخش‌های محله، موجب کاهش دیدپذیری، افت کیفیت محیطی و محدودشدن تعاملات اجتماعی شده است. این یافته‌ها با مطالعات حاتمی و ذاکر حقیقی (1399)، حسینی و کاملی (1396)، احمدی و مهرجو (1399) و همچنین پژوهش‌های بین‌المللی در زمینه امنیت محیطی همسو است (Askari & Soltani, 2023; Chalfin et al., 2022; Cozens & Love, 2015).

با وجود این، نتایج نشان می‌دهد که نقش کالبدی بیشتر «تسهیل‌کننده» است تا «تعیین‌کننده». به بیان دیگر، کیفیت محیط ساخته‌شده زمانی می‌تواند به امنیت پایدار منجر شود که در تعامل با شبکه‌های اجتماعی فعال و بسترهای نهادی کارآمد عمل کند. بنابراین، مداخلات صرفاً فیزیکی مانند افزایش روشنایی، نصب دوربین یا بهسازی معابر، بدون تقویت روابط اجتماعی و سازوکارهای حکمرانی محلی، اثرگذاری محدودی خواهند داشت.

۲- بعد اجتماعی: هسته اصلی تولید امنیت

مهم‌ترین یافته پژوهش، نقش تعیین‌کننده بعد اجتماعی در تبیین امنیت بود. نتایج مدل ساختاری نشان داد که بعد اجتماعی با ضریب مسیر $\beta=0.56$ و مقدار $t=11.74$ قوی‌ترین اثر را بر امنیت اجتماعی دارد و به مراتب فراتر از ابعاد کالبدی و نهادی عمل می‌کند. این یافته با مطالعات داخلی و بین‌المللی همسو است که امنیت شهری را بیش از آنکه محصول کنترل رسمی یا طراحی فیزیکی بدانند، حاصل سرمایه اجتماعی، انسجام محلی و تعاملات روزمره اجتماعی می‌دانند (جعفرلو، ۱۳۹۷؛ مجتبیایی و همکاران، ۱۳۹۹؛ Hou et al., 2025; Bell et al., 2013).

در این بعد، مؤلفه‌هایی نظیر روابط همسایگی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، حس تعلق و سبک زندگی بیشترین نقش را در تبیین امنیت ایفا کردند. یافته‌ها نشان داد که محلاتی با تعاملات همسایگی قوی‌تر، اعتماد اجتماعی بیشتر و مشارکت فعال‌تر ساکنان، از سطح بالاتری از امنیت ادراک‌شده برخوردارند. در مقابل، مهاجرت گسترده، جابه‌جایی مکرر خانوارها، ناهمگونی فرهنگی و ضعف تعلق مکانی، با کاهش انسجام اجتماعی و افزایش احساس ناامنی همراه بوده است (ایاده پور و همکاران، 1402، Chataway & Bourke, 2020). این یافته‌ها با نظریه «کارآمدی جمعی» سامپسون و

دیدگاه پوتنام درباره سرمایه اجتماعی همخوانی دارد؛ دیدگاه‌هایی که امنیت را حاصل ظرفیت جامعه محلی برای خودتنظیمی، نظارت غیررسمی و کنش جمعی می‌دانند (Putnam, 2000; Sampson et al., 1997). یکی از برجسته‌ترین نتایج، بار عاملی بسیار بالای مؤلفه سبک زندگی بود که نشان می‌دهد الگوهای زیست روزمره، هنجارهای رفتاری و کیفیت تعاملات اجتماعی، نقشی بنیادین در شکل‌گیری امنیت دارند. این موضوع نشان می‌دهد که امنیت در سطح محله، بیش از آنکه در زیرساخت‌های فیزیکی یا ابزارهای کنترلی ریشه داشته باشد، در کیفیت روابط انسانی و پیوندهای اجتماعی تولید می‌شود. حتی در محیط‌هایی با کیفیت کالبدی مناسب، ضعف سرمایه اجتماعی و فروپاشی روابط همسایگی می‌تواند احساس ناامنی را تشدید کند (Kim & Park, 2022; Qi et al., 2024).

۳- بعد نهادی-حکمرانی: نقش تنظیم‌گر و تثبیت‌کننده

یافته‌های پژوهش نشان داد که بعد نهادی-حکمرانی نیز اثر مثبت و معناداری بر امنیت اجتماعی دارد ($\beta=0.29$). اگرچه شدت این اثر کمتر از بعد اجتماعی است. در این بعد، مؤلفه‌هایی نظیر مدیریت محله، خدمات شهری، نظارت رسمی و عدالت فضایی بیشترین نقش را در تبیین امنیت ایفا کردند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی محلی و نحوه مدیریت روزمره محیط شهری، تأثیر مستقیمی بر ادراک امنیت ساکنان دارد (Ceccato & Brantingham, 2024; Fennelly & Perry, 2018; قربانلو و همکاران، ۱۴۰۳، رضائی و همکاران، ۱۴۰۳، احمدی و مهرجو، ۱۳۹۹). در محله آزادشهر، ضعف در مدیریت محله‌محور، توزیع نامتوازن خدمات شهری و محدودبودن حضور مؤثر نهادهای رسمی در برخی بخش‌های بافت، موجب تضعیف ظرفیت‌های اجتماعی و کاهش کارآمدی محیط کالبدی شده است. در مقابل، بخش‌هایی که از خدمات شهری مناسب‌تر، پاسخگویی مدیریتی بیشتر و تعامل فعال‌تر میان نهادهای محلی و ساکنان برخوردار بودند، سطح بالاتری از امنیت ادراک‌شده را تجربه کرده‌اند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی محلی نقشی «تنظیم‌گر» دارد؛ به این معنا که کیفیت خدمات، میزان پاسخگویی نهادی و سطح اعتماد عمومی می‌تواند عملکرد دو بعد کالبدی و اجتماعی را تقویت یا تضعیف کند. در واقع، حتی سرمایه اجتماعی قوی نیز بدون حمایت نهادی و مدیریت کارآمد، توان محدودی در تولید امنیت پایدار خواهد داشت. امنیت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که میان جامعه محلی، محیط شهری و ساختارهای مدیریتی نوعی هماهنگی نهادی برقرار باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امنیت در محله آزادشهر یزد پدیده‌ای چندبعدی و فضا‌محور است که از تعامل هم‌زمان عوامل کالبدی، اجتماعی و نهادی-حکمرانی تأثیر می‌پذیرد؛ با این حال، شدت و نحوه اثرگذاری این ابعاد یکسان نیست و هر یک نقش متفاوتی در شکل‌گیری ادراک امنیت ایفا می‌کنند. نتایج تحلیل‌های کالبدی-فضایی و مدل ساختاری نشان داد که ویژگی‌های محیط فیزیکی محله، شامل فرسودگی نسبی ابنیه، وجود فضا‌های رهاشده، ضعف روشنایی شبانه، کاهش خوانایی فضایی و محدودیت نظارت طبیعی، در برخی بخش‌های محله زمینه شکل‌گیری فضا‌های بی‌دفاع شهری را فراهم کرده است. مشاهدات میدانی نیز نشان داد که معابر کم‌تحرک، بن‌بست‌ها و فضا‌های فاقد فعالیت مستمر اجتماعی، بیش از سایر بخش‌ها با احساس ناامنی ساکنان هم‌راستا هستند. با وجود این، نتایج مدل ساختاری نشان داد که اثر بعد کالبدی بر امنیت در سطح متوسط قرار دارد؛ موضوعی که بیانگر آن است که کالبد شهری اگرچه می‌تواند بستر شکل‌گیری یا تضعیف امنیت باشد، اما به‌تنهایی قادر به تولید امنیت پایدار نیست.

در مقابل، بعد اجتماعی قوی‌ترین عامل اثرگذار بر امنیت شناخته شد. یافته‌ها نشان داد که روابط همسایگی، سرمایه اجتماعی، حس تعلق مکانی، مشارکت محلی و کیفیت تعاملات اجتماعی، بیشترین نقش را در تبیین امنیت محله دارند. در نقطه مقابل، ناهمگونی اجتماعی، جابه‌جایی مداوم جمعیت و تضعیف شبکه‌های اجتماعی محلی، به کاهش ظرفیت

کنترل اجتماعی غیررسمی و افزایش احساس ناامنی منجر شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که امنیت در محله آزادشهر، بیش از آنکه صرفاً مسئله‌ای کالبدی باشد، پدیده‌ای اجتماعی و مبتنی بر کیفیت روابط انسانی است. بعد نهادی-حکمرانی نیز نقشی مکمل و تنظیم‌کننده در شکل‌دهی امنیت ایفا می‌کند. کیفیت خدمات شهری، نحوه مدیریت محله، حضور نهادهای رسمی و میزان عدالت فضایی، عواملی هستند که می‌توانند ظرفیت‌های اجتماعی و کالبدی را تقویت یا تضعیف کنند. یافته‌ها نشان داد که ضعف در مدیریت محلی و ناکارآمدی برخی خدمات شهری، موجب کاهش اثربخشی ظرفیت‌های موجود در محیط محله شده است.

در مجموع، نتایج پژوهش سه نکته بنیادین را آشکار می‌سازد:

(1) کالبد، بستر امنیت است؛ نه موتور امنیت. بدون بهبود فیزیکی مانند روشنایی، ارتقای فضاهای عمومی، مدیریت زمین‌های رها شده امکان شکل‌گیری احساس امنیت پایدار محدود می‌شود؛ اما این اقدامات به‌تنهایی کافی نیستند.

(2) بعد اجتماعی هسته اصلی امنیت است. روابط همسایگی، مشارکت، حس تعلق، سرمایه اجتماعی و الگوهای زیست‌جمعی، قوی‌ترین نقش را در کاهش یا افزایش ناامنی دارند و هرگونه مداخله کالبدی بدون توجه به این مؤلفه‌ها، اثربخشی کوتاه‌مدت خواهد داشت.

(3) امنیت پایدار حاصل هم‌افزایی سه بعد است. سیاست‌های کالبدی زمانی موثرند که همزمان با تقویت سرمایه اجتماعی و پشتیبانی نهادی اجرا شوند. حکمروایی محله‌محور از طریق نظارت رسمی، مدیریت محلی و عدالت در خدمات شرط لازم برای فعال‌شدن ظرفیت‌های اجتماعی و کالبدی است.

بر این اساس، امنیت پایدار در محله آزادشهر زمانی محقق می‌شود که سیاست‌گذاری‌ها در سه جهت انجام شوند: (1) ارتقای کالبدی هدفمند، (2) توانمندسازی اجتماعی و تقویت انسجام جمعی، (3) تقویت حکمروایی و مدیریت محله‌محور. در مجموع، یافته‌های پژوهش تصریح می‌کنند که امنیت در محلاتی مانند آزادشهر بیش از هر چیز محصول روابط اجتماعی و کیفیت تعاملات انسانی است، در حالی که کالبد و حکمروایی نقش تقویت‌کننده و تنظیم‌کننده دارند. به همین دلیل، برنامه‌ریزی امنیت شهری باید با اولویت‌بخشی به سیاست‌های اجتماعی و نهادی، و همزمان با مداخلات هوشمند کالبدی پیش برود تا بتواند به امنیتی پایدار، مشارکتی و جامعه‌محور دست یابد.

حامی مالی: بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

سهم نویسندگان در پژوهش: همه نویسندگان، در نگارش و تنظیم مقاله حاضر نقش و سهم برابر دارند.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

References

- Abbaszadegan, M., Firuzian, M., & Rohani Shahraki, M., 2016. Assessment of urban safety in Farahzad neighborhood of Tehran by using the factor analysis method. *Journal of Architecture in Hot and Dry Climate*, 4(4), 49–63. Doi: [20.1001.1.26453711.1395.4.4.4.2](https://doi.org/10.1001.1.26453711.1395.4.4.4.2). (In Persian)
- Abbaszadeh, M., & Parvin, R., 2024. Analysis of indices susceptible to the CPTED approach in urban spaces (case study: lands east of the historical Bazaar of Urmia). *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies*, 5(3), 98–112. https://www.srds.ir/article_212255_en.html (In Persian)
- Ahmadi, H., & Mehrjou, M., 2020. Investigating the effect of environmental quality components on citizens' sense of security (case of central sidewalk of Hamedan City). *Quarterly Journal of Urban and Regional Development Planning*, 5(12), 105–135. <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.59874.1308> (In Persian)
- Amerian, M., 2024. Identifying the impact of social capital on quality of urban life: Evidence from Iran. *Social Indicators Research*, 171(3), 921–936. <https://doi.org/10.1007/s11205-023-03287-3>.

- Askari, A. H., & Soltani, S., 2023. CPTED principles and preventing crimes: The cases from Shiraz City, Iran. *Journal of Design and Built Environment*, 23(2), 1–13. <https://doi.org/10.22452/jdbe.vol23no2.1>.
- Ayadeh-Pour, H., Salehi, A., & Fatili, S., 2022. Investigating the relationship between population density and criminology in Ahvaz. *Tamaddon-e Hoqouqi*, 5(13), 417–444. Doi: [10.22034/lc.2023.160279](https://doi.org/10.22034/lc.2023.160279) (In Persian)
- Bayat, B., 2017. An analysis of the relationship between urban space and feeling socially secured in Tehran. *Social Studies and Research in Iran*, 6(2), 329–350. <https://doi.org/10.22059/jisr.2017.223095.467> (In Persian)
- Bell, B., Fasani, F., & Machin, S., 2013. Crime and immigration: Evidence from large immigrant waves. *Review of Economics and Statistics*, 95(4), 1278–1290. DOI: [10.1162/REST_a_00337](https://doi.org/10.1162/REST_a_00337)
- Bennett, T., Holloway, K., & Farrington, D. P., 2009. A review of the effectiveness of neighbourhood watch. *Security Journal*, 22(2), 143–155. DOI: [10.1057/palgrave.sj.8350076](https://doi.org/10.1057/palgrave.sj.8350076)
- Cairns, N., Moir, E., Prenzler, T., & Rayment-McHugh, S., 2025. A CPTED audit tool to assess crime and safety in town centres. *Safer Communities*. DOI: [10.1108/SC-02-2025-0010](https://doi.org/10.1108/SC-02-2025-0010)
- Ceccato, V., & Brantingham, P., 2024. What is the role of architects and urban planners in crime prevention? *Security Journal*, 37(3), 489–514. DOI: [10.1057/s41284-024-00442-4](https://doi.org/10.1057/s41284-024-00442-4)
- Chalfin, A., Hansen, B., Lerner, J., & Parker, L., 2022. Reducing crime through environmental design: Evidence from a randomized experiment of street lighting in New York City. *Journal of Quantitative Criminology*, 38(1), 127–157. DOI: [10.1007/s10940-020-09490-6](https://doi.org/10.1007/s10940-020-09490-6)
- Changizi, B., 2025. A study on the sense of security in the old and new urban fabric of Chelleh Khaneh neighborhood, Rasht. *Architectural Dimensions and Beyond*, 2(3), 230–241. <https://doi.org/10.48314/ad.b.v2i3.41>
- Chataway, M., & Bourke, A., 2020. Fear of crime, disorder, and quality of life. In *Geographies of behavioural health, crime, and disorder: The intersection of social problems and place* (pp. 137–163). Springer International Publishing. DOI: [10.1007/978-3-030-33467-3_7](https://doi.org/10.1007/978-3-030-33467-3_7)
- Choi, W., Na, J., & Lee, S., 2024. Evaluating intelligent CPTED systems to support crime prevention decision-making in municipal control centers. DOI: [10.3390/app14156581](https://doi.org/10.3390/app14156581)
- Clancey, G., 2015. Think crime! Using evidence, theory and crime prevention through environmental design (CPTED) for planning safer cities. *Crime Prevention and Community Safety*, 17(1), 67–69.
- Cozens, P., 2016. Think crime! Using evidence, theory and crime prevention through environmental design (CPTED) for planning safer cities. Praxis Education. ISBN: 978-1-876394-21-9
- Cozens, P., & Davern, B., 2025. Exploring land use, crime and perceptions of crime in a retail setting: Implications for crime prevention through environmental design (CPTED).
- Cozens, P., & Love, T., 2015. A review and current status of crime prevention through environmental design (CPTED). *Journal of Planning Literature*, 30(4), 393–412. DOI: [10.1177/0885412215595440](https://doi.org/10.1177/0885412215595440)

- Cozens, P., & Love, T., 2017. The dark side of crime prevention through environmental design (CPTED). In Oxford Research Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice. DOI: [10.1093/acrefore/9780190264079.013.2](https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190264079.013.2)
- Cozens, P., & Stoks, F., 2025. Crime prevention in the city: A current status and new directions for crime prevention through environmental design (CPTED). In Handbook on cities and crime (pp. 397–413). Edward Elgar Publishing. DOI: [10.4337/9781800375710.00035](https://doi.org/10.4337/9781800375710.00035)
- Crowe, T., & Fennelly, L. J., 2013. Crime prevention through environmental design. Elsevier.
- Davies, T. P., & Bishop, S. R., 2013. Modelling patterns of burglary on street networks. Crime Science, 2(1), 10. DOI: [10.1186/2193-7680-2-10](https://doi.org/10.1186/2193-7680-2-10)
- Doroudi, M.-R., 2017. Measuring and evaluating the components affecting the enhancement of security in residential environments (case study: Western Tehranpars neighborhood). Social Security Studies, 50, 103–133. (In Persian)
- Farrington, D. P., & Welsh, B. C., 2007. Improved street lighting and crime prevention: A systematic review. National Council for Crime Prevention.
- Fennelly, L., & Perry, M., 2018. CPTED and traditional security countermeasures: 150 things you should know. CRC Press. DOI: [10.4324/9781315144528](https://doi.org/10.4324/9781315144528)
- Forrest, R., & Kearns, A., 2001. Social cohesion, social capital and the neighbourhood. Urban Studies, 38(12), 2125–2143. <https://doi.org/10.1080/0042098012008708>
- Gehl, J., 2011. Life between buildings: Using public space (6th ed.). Island Press.
- Ghasemi, K., Dolatkahi, K., Farahani, H. F., & Fallahi, M., 2025. From planning to perception: A study of urban security in new towns using machine learning, spatial clustering, and lived experiences. Environmental and Sustainability Indicators, 101035. <https://doi.org/10.1016/j.indic.2025.101035>
- Gheshlaghpour, S., & Babakhani, M., 2021. Analysis of crime prevention factors through environmental design (CPTED) in Mehr housing: Case study of Mehr housing of Nazarabad City. Armanshahr Architecture & Urban Development, 14(36), 161–175. <https://doi.org/10.22034/aaud.2021.222768.2152> (In Persian)
- Ghorbanloo, H., Masoumi, M., & Yazdani, M., 2024. Analysis of factors affecting the deterioration of the fabric of the 20th district of Tehran in reducing the social and economic values of public spaces in the district. Geographical Engineering of Territory, 8(3), 105–122. <https://doi.org/10.22034/jget.2023.367256.1457> (In Persian)
- Ghorbi, M., Naghavi, M., & Mohammadi, H., 2020. The effect of the built environment on social capital and social sustainability in historical context (case study: linked neighborhood to Bazar in Kerman historical fabric). Urban Structure and Function Studies, 6(21), 59–84. https://shahr.journals.umz.ac.ir/article_2394.html?lang=en (In Persian)
- Giddens, A., 1991. Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age. Stanford University Press.
- Gill, C., Weisburd, D., & McPherson, M. K., 2024. Beyond the police: Community-led partnerships for meaningful crime prevention and social justice. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 714(1), 150–168. DOI: [10.1177/00027162251343698](https://doi.org/10.1177/00027162251343698)
- Hatami, Y., & Zakerhaghighi, K., 2020. Influence of physical spaces in urban neighborhoods on the sense of social security (case study: the city of Hamadan). Geographical Planning of Space, 10(36), 197–218. <https://doi.org/10.30488/gps.2020.149076.2883> (In Persian)

- Hipp, J. R., 2010. A dynamic view of neighborhoods: The reciprocal relationship between crime and neighborhood structural characteristics. *Social Problems*, 57(2), 205–230. <https://doi.org/10.1525/sp.2010.57.2.205>
- Hipp, J. R., Kim, Y. A., & Kane, K., 2019. The effect of the physical environment on crime rates: Capturing housing age and housing type at varying spatial scales. *Crime & Delinquency*, 65(11), 1570–1595. DOI: [10.1177/0011128718779569](https://doi.org/10.1177/0011128718779569)
- Hosseini, S.-B., & Kameli, M., 2017. Investigation of environmental factors affecting the occurrence of urban crime (crime of theft): Case study of districts 1 and 7 of Qom. *Geography*, 15(53). <https://journal.eri.acecr.ir/en/Article/8980/FullTex> (In Persian)
- Hou, F., Hedayati Marzbali, M., Maghsoodi Tilaki, M. J., & Abdullah, A., 2025. Rethinking urban greening: Implications of crime prevention through environmental design for enhancing perceived safety in Baitashan Park, Lanzhou. *Urban Science*, 9(1), 9. <https://doi.org/10.3390/urbansci9010009>
- Ioannidis, I., Ceccato, V., Abraham, J., & Gliori, G., 2025. Crime concentration at buildings: Nordic evidence on the impact of housing ownership on crime. *American Journal of Criminal Justice*, 1–23. DOI: [10.1007/s12103-025-09878-9](https://doi.org/10.1007/s12103-025-09878-9)
- Jabareen, Y., Eizenberg, E., & Zilberman, O., 2017. Conceptualizing urban ontological security: Being-in-the-city and its social and spatial dimensions. *Cities*, 68, 1–7. Doi: [10.1016/j.cities.2017.05.003](https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.05.003)
- Jacobs, J., 1961. *The death and life of great American cities*. Random House.
- Jafarloo, A., 2018. An analysis of the impact of immigration on social damage (case study: Alvand City in Qazvin Province). *Geography and Human Relationships*, 1(1), 445–463. (In Persian). Doi: [20.1001.1.26453851.1397.1.1.27.8](https://doi.org/10.1001/1.26453851.1397.1.1.27.8)
- Kelling, G. L., Pate, T., Dieckman, D., & Brown, C., 1974. *The Kansas City preventive patrol experiment: A technical report*. Police Foundation.
- Khaliji, M. A., & Jafarpour Ghalehtemouri, K., 2024. Urban security challenges in major cities, with a specific emphasis on privacy management in the metropolises. *Discover Environment*, 2(1), 74. DOI: [10.1007/s44274-024-00116-3](https://doi.org/10.1007/s44274-024-00116-3)
- Lee, S., Kim, J., & Park, H., 2023. Street-level micro-features and crime patterns in low-income urban neighborhoods. *Environment and Behavior*, 55(4), 511–534. DOI: [10.1007/978-0-387-09688-9_9](https://doi.org/10.1007/978-0-387-09688-9_9)
- Malik, A. A. M., Sela, R. L. E., & Moniaga, I. L., 2024. Implementation of crime prevention through environmental design (CPTED) in Manado old city center area. *ARTEKS: Jurnal Teknik Arsitektur*, 9(2), 209–216. DOI: [10.30822/arteks.v9i2.3267](https://doi.org/10.30822/arteks.v9i2.3267)
- Mojtabai, K., Navabkhash, M., Kaldi, A., & Zare Mahdavi, G., 2020. The impact of migration on the variability of social cohesion. *Pazhuheshnameh-ye Nazm va Amniyat-e Entezami*, 13(2), 51–70. (In Persian)
- Newman, O., 1972. *Defensible space: Crime prevention through urban design*. Macmillan.
- Nguyen, L. P., van den Berg, P. E., Kemperman, A. D., & Mohammadi, M., 2025. Social impacts of living in high-rise apartment buildings: The effects of buildings and neighborhoods. *Journal of Urban Affairs*, 47(8), 2894–2915. DOI: [10.1080/07352166.2024.2311165](https://doi.org/10.1080/07352166.2024.2311165)
- Pazhuhan, M., Azadi, H., Lopez-Carr, D., Barbir, J., Shahzadi, I., & Fürst, C., 2023. Social sustainability of residential squares: Evidence from Narmak neighborhood, Tehran. *Habitat International*, 136, 102811. Doi: [10.1016/j.habitatint.2023.102811](https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2023.102811)
- Putnam, R. D., 2000. *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.

- Qi, J., Mazumdar, S., & Vasconcelos, A. C., 2024. Understanding the relationship between urban public space and social cohesion: A systematic review. *International Journal of Community Well-Being*, 7(2), 155–212. DOI: [10.1007/s42413-024-00204-5](https://doi.org/10.1007/s42413-024-00204-5)
- Rezaee, M., Rafiyan, M., & Alikhani, S., 2024. The evaluation of social capital and its role in the performance of modern neighborhood management (case study: Fouladshahr City). *Social Capital Management*, 11(2), 199–217. <https://doi.org/10.22059/jscm.2023.357959.2410> (In Persian)
- Rupp, L. A., Bhatia, S., Lee, D. B., Wyatt, R., Bushman, G., Wyatt, T. A., ... & Reischl, T. M., 2025. Community-engaged crime prevention through environmental design and reductions in violent and firearm crime. *American Journal of Community Psychology*. DOI: [10.1002/ajcp.12802](https://doi.org/10.1002/ajcp.12802)
- Salavarzi Zadeh, M. S., Sheikhi, H., & Shekari, Z., 2018. Analyzing and evaluating the role of social capital in sustainable development of neighborhoods (case study: Ilam City). *Physical Social Planning*, 5(1), 123–136. <https://doi.org/10.30473/psp.2018.4835> (In Persian)
- Sampson, R. J., & Raudenbush, S. W., 1999. Systematic social observation of public spaces: A new look at disorder in urban neighborhoods. *American Journal of Sociology*, 105(3), 603–651. <https://doi.org/10.1086/210356>
- Sampson, R. J., Raudenbush, S. W., & Earls, F., 1997. Neighborhoods and violent crime: A multilevel study of collective efficacy. *Science*, 277(5328), 918–924. DOI: [10.1126/science.277.5328.918](https://doi.org/10.1126/science.277.5328.918)
- Saville, G., & Cleveland, G., 2008. Second-generation CPTED: The rise and fall of opportunity theory. In *21st century security and CPTED* (pp. 93–104). Auerbach Publications.
- Saville, G., & Mihinjac, M., 2022. Third-generation CPTED: Integrating crime prevention and neighbourhood liveability. In *Urban crime prevention: Multi-disciplinary approaches* (pp. 27–54). Springer International Publishing.
- Senna, I., Iglesias, F., & Matsunaga, L. H., 2025. Measuring the effects of crime prevention through environmental design (CPTED) on fear of crime in public spaces. *Crime Prevention and Community Safety*, 27, 1–17. <https://doi.org/10.1057/s41300-025-00223-0>
- Shaftoe, H., 2007. Crime in high-rise housing: Is it the built environment's fault? In *Crime prevention in high-rise housing* (pp. 19–40).
- Sohn, D. W., 2016. Residential crimes and neighborhood built environment: Assessing the effectiveness of crime prevention through environmental design (CPTED). *Cities*, 52, 86–93. DOI: [10.1016/j.cities.2015.11.023](https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.11.023)
- Stucky, T. D., & Ottensmann, J. R., 2009. Land use and violent crime. *Criminology*, 47(4), 1223–1264. DOI: [10.1111/j.1745-9125.2009.00174.x](https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.2009.00174.x)
- Takano, T., Morita, H., Nakamura, S., Togawa, T., Kachi, N., Kato, H., & Hayashi, Y., 2023. Evaluating the quality of life for sustainable urban development. *Cities*, 142, 104561. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2023.104561>
- Taylor, R. B., & Harrell, A. V., 1996. *Physical environment and crime*. National Institute of Justice.
- Valente, R., 2018. *Ontological insecurity and subjective feelings of unsafety*. Doctoral dissertation, University of Edinburgh.

- Von Ferber, J., & Petrossian, G. A., 2025. Distinguishing static and dynamic crime prevention through environmental design (CPTED) features in public plazas. *Deviant Behavior*, 1–10. DOI: [10.1080/01639625.2025.2464183](https://doi.org/10.1080/01639625.2025.2464183)
- Welsh, B. C., & Piza, E. L., 2024. Crime prevention for social impact and social justice: The ideals, the challenges, the progress. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 714(1), 8–21. DOI: [10.21428/cb6ab371.713f8b43](https://doi.org/10.21428/cb6ab371.713f8b43)
- Wen, Y., Qi, H., Long, T., & Zhang, X., 2025. Designed for safety: Characteristics and trends in crime prevention through environmental design research. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 24(4), 3108–3126. DOI: [10.1080/13467581.2024.2366823](https://doi.org/10.1080/13467581.2024.2366823)
- Widya Putra, D., Salim, W. A., Indradjati, P. N., & Prilandita, N., 2023. Understanding the position of urban spatial configuration on the feeling of insecurity from crime in public spaces. *Frontiers in Built Environment*, 9, 1114968. <https://doi.org/10.3389/fbuil.2023.1114968>
- Mohammadi, J. and Khanmohammadi, E. (2017). Measuring Sense of Security in Urban Neighborhoods with an Emphasis on Social Parameters (Case Study: The 6th Region of Isfahan Municipality). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 5(2), 245–263. Doi: [10.22059/jurbangeo.2017.135737.332](https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2017.135737.332)
- Ziyari, K., 2011. Investigating comfort and security in the neighborhoods of Yazd. *Human Geography Research*, 76, 1–7. (In Persian)

تابید شده نهایی قبل از چاپ